

کتابچه چکیده پروژه‌های دانش آموزان

مرحله چهارم مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی

بنیاد نخبگان استان فارس

شهریور ماه

۱۳۹۹



بنیاد ملی نخبگان
بنیاد نخبگان استان فارس

فصلی خلاقیت و ایده پردازی

سومین جشنواره
پایانی مدارس
فصلی

ایده پردازی

کتابچه چکیده پروژه های دانش آموزان
مرحله چهارم مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی
بنیاد نخبگان استان فارس

طراح جلد: مهرآنا سلطانی
ویراستار: مریم شریفی

سومین جشنواره پایانی مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی

بر اساس سند علمی کشور یکی از چشم اندازهای افق ۱۴۰۴ پیشتازی نظام جمهوری اسلامی ایران در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان است. این مهم خود در برگیرنده اهداف خرد و کلانی می شود که شاید بتوان غایت نهایی همه آنها را پرورش نسلی کوشا، خلاق و نوآور دانست که با بکارگیری توانمندی های خود در جهت برطرف سازی مشکلات کشور قدم بردارند و موجب افتخارآفرینی در سطح بین المللی شوند. با توجه به این موضوع، آموزش همگان و به ویژه دانش آموزان در موضوعات خلاقیت، ایده پردازی و نوآوری و نوارزش آفرینی اهمیت زیادی خواهد داشت. آموزش های برون مدرسه ای می توانند در جهت توانمند سازی دانش آموزان امروز که نسل تصمیم ساز فردا هستند با توجه به موضوعات ارائه شده نقشی مهم و بی بدیل داشته باشند.

بنیاد نخبگان استان فارس با توجه به مسئولیت خود در بحث نخبه شناسی، نخبه پروری، نخبه گزینی و نخبه گماری و با در نظر گرفتن نیاز کشور به تربیت نسلی کوشا، خلاق و نوآور که توانمندی ایجاد کسب و کارهای خلاقانه و نوآورانه را در جهت ارتقای اقتصاد کشور دارند، اقدام به برنامه ریزی طرحی با عنوان مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی از سال ۱۳۹۴ برای دانش آموزان کرده است. طرح و آنچه در این مدارس انجام می شود به صورتی است که در آن اهم مسئولیت های بنیاد نخبگان یعنی نخبه شناسی، نخبه پروری، نخبه گزینی و نخبه گماری مورد تاکید است که در راستای ایجاد هویت نخبگانی می باشد. از آن جهت که این مدارس در تمامی نقاط استان فارس برگزار می شود و بر اساس آموزش های با محوریت نخبه شناسی در سطح دانش آموزی پیش می رود این امکان را برای دانش آموزان در دور افتاده ترین نقاط استان پهناور فارس ایجاد می کند تا استعدادهای خود را شناخته و با قرار گیری در فرایند این مدارس در جهت پرورش این استعدادها پیش روند که خود به خوبی در راستای مسئولیت دیگر بنیاد نخبگان یعنی نخبه پروری می باشد. افق کلی مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی در راستای انتخاب بهترین این دانش آموزان پرورش یافته در مباحث نخبگانی و قرار دادن آنها در مسئولیت هایی در جهت نیل به آنچه در چشم انداز ۱۴۰۴ به عنوان پیشتازی جمهوری اسلامی ایران قصد شده است می باشد. این بحث به خوبی نشان دهنده مسئولیت های نخبه گزینی و نخبه گماری توسط بنیاد نخبگان فارس است. لازم به ذکر است که در راستای برگزاری مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی از نسل جوان که خود از مستعدان برتر و نخبگان استان فارس هستند کمک گرفته می شود. از این رو، مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی در جهت توانمندسازی این عزیزان نیز می باشد.

در پایان بسیار خرسندم که در سومین جشنواره پایانی مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی میزبان دانش آموزان توانمندی هستیم که در موضوعات خلاقیت و ایده پردازی، مهارت های اجتماعی و فرهنگی و دغدغه مندی نسبت به اطرافشان سرآمد هستند و برای همگی عزیزانم آرزوی موفقیت و بهروزی دارم.

دکتر حبیب شریف
رئیس بنیاد نخبگان استان فارس

خداوند را شاکریم که با تلاش جمع دغدغه‌مندی از مستعدان و نخبگان استان و حمایت بنیاد نخبگان استان فارس و مجمع خیران نخبه‌پرور فارس و همکاری سایر مراکز علمی و اجرایی استان، برنامه «مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی» در حدود ۵ سال گذشته پیگیری و اجرایی شده است.

به لطف خداوند متعال طی سال‌های ۹۷ و ۹۸ با برگزاری برنامه برای ۴۴۵ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان‌های لامرد، خنج، استهبان، فیروزآباد، نواحی ۴گانه شیراز و مجمع خیران نخبه‌پرور فارس حیات برنامه مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی ادامه یافت و در سومین جشنواره پایانی مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی هر چند به خاطر شرایط ویژه کشور به دلیل شیوع بیماری کرونا با شش ماه تاخیر و به صورت مجازی برگزار گردید، اما نظاره‌گر رشد و درخشش فرزندانمان بودیم.

قلباً از جد و جهد شما ۹۸ نفر از دانش‌آموزان عزیز که به این مرحله راه یافته‌اید، در این مدت خوشحال و سرافرازم. اما به خاطر داشته باشید که رمز پیروزی و راز بهروزی هر سرزمینی در زنده بودن، زندگی مستمر نواندیشان جوان آن است.

امید است که شما عزیزان نسبت به آموخته‌هایتان متعهد و نسبت به جامعه و جهان اطراف خود دغدغه‌مند باشید. ان شاا...

محمد رامین باستان
مدیر اجرایی مدارس فصلی خلاقیت و ایده پردازی

سومین جشنواره پایانی مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی در شرایط ویژه‌ای که به جهت بیماری کرونا ایجاد شده است برگزار خواهد شد. همواره از انعطاف‌پذیری علمی و اجرایی مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی به جهت طرح علمی آن صحبت نموده‌ایم و شاهد آن را برگزاری این مدارس در شرایط جغرافیایی و فرهنگی گوناگون استان فارس گرفته‌ایم. شرایط ویژه کرونا اما فصل جدیدی را در برگزاری مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی باز کرد؛ برگزاری مجازی جشنواره پایانی با تمام پیچیدگی‌های آموزشی و سنجشی. آری، می‌توان گفت آن قسمت از انعطاف‌پذیری علمی و اجرایی مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی را که از آن غافل بودیم توسط خود برنامه‌بسترسازی و اجرا شد و آن برگزاری کارگاه‌ها و داوری‌های مرحله چهارم به صورت مجازی است. این امر نشان‌دهنده پایه‌گذاری علمی و اجرایی درست و دقیق در مدارس فصلی خلاقیت است که بستر را برای انعطاف‌پذیری آموزشی و سنجشی فراهم می‌سازد و مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی را در تراز برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر قرار می‌دهد. همچنین برگزاری جشنواره سوم به همگان نشان داد که تا چه میزان می‌توان به توانمندی سفیران برگزیده سال‌های قبل در برگزاری این رویداد اطمینان داشت. سفیران دوره‌های قبل در این دوره بسیار کمک‌کننده بودند و برنامه‌ریزی علمی و اجرایی آن را انجام دادند. ضمن تشکر از این عزیزان بر خود لازم می‌دانم از ویژگی دیگر مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی که با تربیت اینچنین سفیرانی در حال نشان داده شدن است صحبت کنم، تربیت نیروی انسانی خلاق کارآمد. این ویژگی که سفیران مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی در حال تمرین آن هستند در آینده خود را بیشتر نشان می‌دهد و حاصل آن تربیت نیروی انسانی است که با اعتماد به نفس بالای و با بهره‌گیری از خلاقیت خود به سوی کارآمدسازی پیش‌خواند رفت. به طور کلی، جشنواره سوم برای بنده نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری آموزشی و سنجشی مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی در کنار نمایاندن توانمندی‌های سفیران خلاق و کارآمد است. در نهایت از تمامی عزیزان همکار در برنامه مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی کمال تشکر را دارم و به راه‌یافتگان به این مرحله تبریک می‌گویم.

حسین میهمی

مدیر علمی مدارس فصلی خلاقیت و ایده‌پردازی

اسامی دوست علمی (به ترتیب الفبا)

سمانه اسدی	فاطمه یاسمین شاهچراغی
پیمان اسماعیل پور	امیر شریف
مهرداد اکبری	مریم شریفی
محمدحسین امانت	مرضیه شهمت منش
محمد بهمن پور	زهرا طیبی
زهرا پیرصوفی	عرفان عطوفی
زهرا جعفری شهباززاده	سارا علی حسینی
سعید خسروپور	فهیمه کشاورزی
سمیرا راه پیما	فاطمه کمالی
محمدهادی رحمانی	محمدعلی منتظری
سعیده رضازاده	راحله مودت
شایان رضائیان زاده	مهسا مومن نسب
سمیرا رفیعی	مسعود هوشیار
عاطفه روستایی	

بررسی رابطه منفی استرس و خلاقیت دانش آموزان دختر متوسطه اول ناحیه چهار شهر شیراز

سنا زارع پور
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



مهرسا اکبرپور
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



خلاقیت دستیابی به ایده‌های جدید و استرس فشار روانی حاصل از تهدیدها، اتفاقات و تغییرات است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه خلاقیت و استرس به منظور بهبود سطح سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان و همچنین افزایش سطح پیشرفت جامعه است. جامعه‌آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر متوسطه اول ناحیه چهار شیراز و نمونه آن، تعداد ۹۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان فرشتگان بودند که با استفاده از پرسشنامه‌های استرس کوهن و خلاقیت تورنس بررسی شده و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای استرس و خلاقیت معنادار و منفی وجود دارد. بنابراین، با افزایش هر یک از متغیرها، دیگری کاهش پیدا می‌کند. با توجه به اینکه استرس، انسان‌ها و به خصوص زنان را در معرض خطر حمله قلبی، افزایش فشار خون، افسردگی و دردهای جسمانی قرار می‌دهد، اگر میزان استرس زیاد و تهدید کننده باشد، می‌تواند باعث افت تحصیلی و مانع از ظهور استعدادها و توانایی‌های بالقوه و شکوفایی اندیشه‌های خلاق افراد شود. بنابراین، افزایش استرس، نقص در عملکرد مفید افراد و خلاقیت آنان را در پی دارد.

کلید واژه: استرس، خلاقیت، ضریب همبستگی پیرسون

تاثیر یوگا بر شادکامی زنان شاغل شیراز با رنج سنی ۳۵ تا ۴۵ سال

مریم حقیقت
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



بواسطه‌ی نقشه‌ای محوری بانوان شاغل هدف پژوهش مطالعه‌ی تاثیر یوگا بر شادکامی زنان شاغل است. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش شامل کلیه زنان شاغل در رده سنی ۳۰ تا ۴۵ سال شهر شیراز می‌باشد که بصورت غیرتصادفی و در دسترس و از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که یوگا به عنوان متغیر مستقل و شادکامی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین نمرات شادکامی در گروه کنترل در مرحله پس-آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون کاهش داشته و تفاوت معناداری ندارد و بالعکس در گروه آزمایش که تحت آموزش یوگا بودند میانگین نمرات شادکامی در مرحله پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون روند روبه افزایشی داشته است که دارای تفاوت معنادار است. از نتایج به‌دست آمده از این پژوهش می‌توان به تاثیر مثبت یوگا بر شادکامی زنان شاغل شیراز در رنج سنی ۳۵ تا ۴۵ سال پی برد.

کلیدواژه‌ها: یوگا، شادکامی، زنان شاغل

تأثیر شیوه گفتمان و عبارات احترام آمیز بر تخفیف گرفتن از فروشندگان لباس شیراز

ریحانه کشاورز
مدرسه نرجس
شیراز، فارس



فاطمه صفایی زاده
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



با توجه به اوضاع نابسامان اقتصادی قشر عظیمی از جامعه و قیمت تصاعدی و بعضاً غیر واقعی اجناس در بازار، چانه زنی و تقاضای تخفیف به هنگام خرید، کار معقولانه ای است. اما با توجه به اینکه عوامل بسیاری هستند که بر پیشبرد مثبت یا منفی آن تأثیر گذارند، باید آنها را شناسایی و سپس آگاهانه نسبت به استفاده و یا عدم استفاده از آنها اقدام کرد. هدف پژوهش حاضر مقایسه میزان تخفیف دریافتی هنگام استفاده از "گفتمان تاکتیکی و عبارات احترام آمیز" و هنگام استفاده از "گفتمان عادی و بدون تاکتیک"، از فروشندگان لباس شهر شیراز بوده است. در راستای این هدف سه فروشنده خانم و هفت فروشنده آقا با میانگین سنی ۴۱ سال، در بازار وکیل شیراز انتخاب شده و دو گروه پژوهشگر طی دو روز مختلف (یکشنبه و پنجشنبه) به مقایسه گفتمان عادی و گفتمان محترمانه و میزان تأثیر هر یک در تخفیف گرفتن از این فروشندگان پرداختند و در این راستا گروه اول بدون تاکتیک و با گفتمانی عادی و گروه دوم با استفاده از سه تاکتیک مربوط به گفتمان، در هر مغازه، بر سر جنسی مشترک چانه زنی و هر گروه مکالمات خود را ضبط و ثبت کردند. برای تجزیه و تحلیل دادهها، هر گروه به صورت جداگانه میزان استفاده از هر تاکتیک "توسط دو گروه" را بررسی و برای اطمینان از پایایی شان، نتایج را با یکدیگر به اشتراک گذاشتند، سپس با استفاده از روش آمار توصیفی میزان، مجموع و درصد استفاده از هر تاکتیک توسط هر یک از گروههای آزمایش و کنترل بررسی شد. یافته های پژوهش پس از تجزیه و تحلیل داده ها حاکی آنند که میزان تخفیف دریافتی توسط گروه دوم بیشتر بود، تعداد دفعات و درصد استفاده از هر تاکتیک به صورت ناخودآگاه متفاوت و تخفیف دریافتی هر گروه در روز پنجشنبه بیشتر از روز یکشنبه بود. از نتایج این پژوهش، می توان به مؤثر بودن استفاده از برخی تاکتیک های گفتمان و عبارات احترام آمیز بر گرفتن تخفیف بیشتر، استفاده بیشتر از برخی تاکتیک ها به صورت ناخودآگاه و تأثیر داشتن روز های هفته بر میزان تخفیف اتخاذی در هر نوع از گفتمان اشاره کرد.

رابطه عفاف و میزان اعتماد به نفس در دختران نوجوان شیراز: (پژوهش کیفی است)



مهبا رنجبر
مدرسه شاهد ۱۶ امام خامنه ای
شیراز، فارس

در سالهای گذشته عفاف در دختران نوجوان کاهش پیدا کرده و به همان میزان کمبود اعتماد بنفیس هم در دختران جوان و نوجوان دیده میشود، حال این سوال پیش می آید که آیا رابطه ای میان عفاف و میزان اعتماد بنفیس وجود دارد؟ به همین دلیل هدف ما از انجام این پژوهش این است که رابطه ی میان عفاف و میزان اعتماد بنفیس را در دختران نوجوان شیراز بیابیم . در این پژوهش از تعداد ده دختر نوجوان ناحیه چهار شهر شیراز کمک گرفتیم. این پژوهش به روش کیفی است و با استفاده از ده سوالی که برای مصاحبه طراحی کردیم عفاف و میزان اعتماد بنفیس دانش آموزان را میسنجیم. بر اساس یافته های این پژوهش عفاف و میزان اعتماد بنفیس با یکدیگر رابطه داشته و نتیجه میگیریم که هرچقدر که عفاف در دختران نوجوان بیشتر باشد اعتماد بنفیس آنها نیز بیشتر خواهد بود.

کلید واژه ها: پژوهش کیفی، دانش آموزان ناحیه چهار

تاثیر فضای مجازی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانش آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان خنج

یسنا شیخ زاده
مدرسه خدیجه کبری
خنج، فارس



یاسمین نورسته
مدرسه صالح شمسی
خنج، فارس



درنا دانیال
مدرسه خدیجه کبری
خنج، فارس



با توجه به اهمیت موضوع فضای مجازی و تاثیر آن بر ابعاد مختلف زندگی، به خصوص در میان دانش آموزان، هدف اصلی پژوهش «بررسی میزان تاثیر فضای مجازی بر آگاهی از حقوق شهروندی دانش آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان خنج» است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و کمی است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته استفاده از فضای مجازی و همچنین پرسشنامه آگاهی از حقوق شهروندی شریفی و اسلامیه (۱۳۹۱) به دست آمده است. جامعه آماری شامل دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان خنج است. روش نمونه‌گیری نیز به صورت تصادفی بوده و حجم نمونه ۲۲۰ نفر محاسبه شد. نتایج پژوهش، قویا نشانگر آن هست که دانش آموزان دختر متوسطه دوم در شهرستان خنج تقریبا مدت زمان زیادی را در فضای مجازی می‌گذرانند. همچنین درصد به دست آمده نشان می‌دهد که بیشتر میزان استفاده آن‌ها از فضای مجازی و اینترنت برای اطلاع‌رسانی و کسب اطلاعات است. این موضوع بدان معناست که حضور همدفمند در فضای مجازی لزوما منجر به تضعیف ارزش‌های اخلاقی دانش آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان خنج نشده و همین امر موجب آگاهی دانش آموزان از حقوق شهروندی شده است.

تاثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت روان زنان در شهرستان خنج

سونیا چربدست
مدرسه تربیت
شیراز، فارس



روژان قهرمانپور
مدرسه خدیجه کبری
شیراز، فارس



آمنه نمازی
مدرسه خدیجه کبری
شیراز، فارس



سلامت روان به عنوان یک ویژگی کلیدی می‌تواند بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی زنان تاثیر گذار باشد لذا لازم است جهت حفظ و ارتقای این ویژگی سلامتی تلاش کرد و عامل موثر بر آن را شناخت. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تاثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت روان زنان در شهرستان خنج بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان متأهل شهرستان خنج بود. نمونه آماری با استفاده از روش غیرتصادفی از میان زنان انتخاب شد به این صورت که از افرادی که زیر سن ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند تعداد ۱۵ نفر و افرادی که در سن بالای ۲۳ سال ازدواج کرده‌اند ۱۵ نفر انتخاب شد و به آنان پرسشنامه سلامت روان جهت تکمیل داده شد. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. تحلیل یافته‌ها با استفاده از آزمون تی مستقل انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که از دواج زودهنگام بر سلامت روان زنان تاثیر معناداری نداشته است. بنابراین با توجه به اهمیت هر دو متغیر پیشنهاد می‌شود با نمونه‌ای بزرگ‌تر و یا جامعه‌ای دیگر یا ابزارهای متفاوت همین پژوهش تکرار شود.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، ازدواج زودهنگام، کودک همسری، سلامت روان

تاثیر بازی های ترسناک رایانه ای بر خلاقیت نوجوان های ۱۲-۱۷ ساله

علیرضا میرزایی فرد
مدرسه امام خمینی (ره)
استهبان، فارس



ابوالفضل طاهری حقیقی
مدرسه فرهنگان
استهبان، فارس



رابطه نوجوانان امروز با رایانه رابطه‌ای جدا نشدنی است. استفاده کنترل نشده‌ی آن‌ها از این وسیله به خصوص اگر با تلویزیون و سایر فناوری‌ها همراه باشد می‌تواند به فرد آسیب‌های شدید ذهنی و جسمی وارد کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بازی‌های ترسناک بر خلاقیت نوجوانان انجام شد. جامعه پژوهش تمام نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله شهرستان استهبان و اغلب از دوستان و آشنایان مان بودند که از میان آنها ۱۵ نفر از افرادی که بازی‌های ترسناک انجام می‌دادند و ۱۵ نفر از کسانی که بازی‌های ترسناک انجام نمی‌دادند. افراد فوق با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از جلب رضایت و همکاری آنها، هر دو گروه به پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۶۳) پاسخ گفتند. اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون تی مستقل و در نرم افزار SPSS تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین این دو گروه از نظر میزان خلاقیت تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی طبق آمار این پژوهش افرادی که بازی های رایانه‌ای ترسناک انجام نمی‌دادند خلاقیت‌شان کمی قوی‌تر بود. ما از انجام این پژوهش نتیجه گرفتیم که بازی‌های رایانه‌ای هرچند اندک ولی تاثیر منفی بر خلاقیت می‌گذارند و از آنجا که افراد مورد پژوهش نهایتاً چند سال این بازی‌ها را انجام داده بودند پس ادامه دادن این بازی‌ها میتواند به تضعیف خلاقیت‌شان ادامه دهد.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، بازی، بازی ترسناک، بازی رایانه‌ای

شناسایی مولفه های اثربخش بر کیفیت یادگیری درس تاریخ جهان از منظر دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان استهبان

نیما عشاق
مدرسه خیام
استهبان، فارس



تاریخ علم بررسی حوادث گذشته است؛ وقایعی که در طول زمان برای انسان رخ می- دهد بر مبنای علم تاریخ، تداوم حوادث نیز بیان می شود. هدف پژوهش حاضر بررسی شناسایی مولفه های اثربخش بر کیفیت یادگیری درس تاریخ جهان از منظر دانش- آموزان است. روش مورد استفاده کیفی از نوع مطالعه موردی و ابزار به کار گرفته شده مصاحبه نیمه ساختاریافته است. مشارکت کنندگان بالقوه شامل کلیه دانش آموزانی که درس تاریخ جهان را در شهر استهبان گذرانده اند، نمونه گیری به صورت هدفمند صورت گرفته و این مصاحبه شامل ۱۵ نفر از پایه دهم و یازدهم است. تحلیل داده ها با استفاده از شبکه مضامین صورت گرفته است. با انجام این پژوهش، دست یافته ایم که دانش آموزان در حد کمی هویت تاریخی خود را شناخته اند، دیگر آن که از آموزش صحیح در زمینه تاریخ بی بهره هستند که می توان گفت، از عوامل مهم آن عدم استفاده از روش های متنوع و یا عدم جذابیت در یادگیری آن است.

کلیدواژه ها: یادگیری، دانش آموزان، مدرسه، اثربخشی

تأثیرانیمیشن های سه بعدی بر خلاقیت کودکان شش ساله پیش دبستانی باغ اندیشه شهرستان استهبان

محدثه مرادی
مدرسه هدف
استهبان، فارس



الناز کدیور
مدرسه نرجس
استهبان، فارس



دنیا برای حل مسائل گوناگون، نیازمند ایده های نو و مبتکرانه ی انسان ها است. هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر انیمیشن های سه بعدی بر خلاقیت کودکان ۶ ساله بوده است. روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با پیش آزمون-پس آزمون همراه با گروه گواه و کنترل بود. جامعه مورد مطالعه، شامل کلیه دانش آموزان ۶ ساله ی مقطع پیش دبستانی شهرستان استهبان بود. ابتدا یک پیش دبستانی را انتخاب کرده و به صورت غیرتصادفی یک کلاس را به عنوان گروه آزمایش، و یک کلاس دیگر را هم، به عنوان گروه گواه انتخاب کردیم. سپس از هر دو گروه، به عنوان پیش آزمون، آزمون تفکر خلاق تورنس فرم (ب) تصویری گرفتیم. بعد برای گروه آزمایش طی ۸ جلسه، انیمیشن سه بعدی پخش کردیم. بعد از اتمام جلسات، از هر دو گروه به عنوان پس آزمون دوباره آزمون تفکر خلاق تورنس فرم (ب) تصویری گرفتیم. نتایج آزمون سنجش خلاقیت تورنس، نشان داد آزمودنی های گروه آزمایش، با دیدن انیمیشن های سه بعدی خلاقیت شان افزایش یافته است؛ همچنین تفاوت آماری معناداری نیز در چهار مؤلفه ی خلاقیت، مشاهده شده است. اما در گروه گواه، در مؤلفه های سیالی و اصالت، تفاوت آماری معناداری مشاهده نشده است. نتیجه: انیمیشن های سه بعدی می توانند در افزایش خلاقیت کودکان پیش دبستانی مؤثر باشند.

کلیدواژه ها: خلاقیت، انیمیشن، کودکان ۶ ساله

راهکارهای اصلاح مصرف آب شرب روستای جام بزرگی و تأثیر آن بر خشکسالی شهرستان کازرون

صفورا علیجانی
مدرسه قبازد
کازرون، فارس



مرضیه دهقانی
مدرسه قبازد
کازرون، فارس



کمبود آب و مصرف نادرست مردم بحرانی جدی در ایران می‌باشد. توجه به شیوه و نوع مصرف آب و جلوگیری از هدر رفت آن باید مورد توجه همگان قرار گیرد. هدف از انجام این پژوهش بررسی چگونگی مصرف آب در روستای جام بزرگی و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود مصرف آب می‌باشد. مخاطب اصلی ما در پژوهش زنان و مردان روستای جام بزرگی هستند. این پژوهش، پژوهشی تلفیقی است و اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه با مسئولان اداره آب و آبفای شهرستان کازرون و ارائه پرسشنامه به مردم روستای جام بزرگی به دست آمده است. با توجه به یافته‌های پژوهش مشخص شد با وجود خشکسالی به عنوان مهمترین عامل در کمبود و قطعی آب روستا، مصرف نادرست مردم سبب تشدید این موضوع شده است. با در نظرگیری پیشنهادات مردم روستای جام بزرگی در راستای آموزش، کارگاهی تشکیل و راه کارهایی ارائه شد تا در جهت فرهنگ‌سازی و اصلاح مصرف آب گامی برداشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: خشکسالی، روستای جام بزرگی، اصلاح مصرف آب، بحران آب

پروژه ساخت دستگاه ورزشی شش کاره با ترکیب تردمیل بدون موتور الکتریکی و دوچرخه ثابت

زهرا تقی نژاد
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



مائده حیدری
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



شیوا پناهیان
مدرسه الزهرا
شیراز، فارس



امروزه هر فرد دوست دارد که یک باشگاه کوچک در خانه خودش داشته باشد. اما متأسفانه بدلیل نداشتن فضای کافی و هزینه های گزاف ، موفق به انجام این کار نمی شوند. لذا ما دستگاهی ورزشی ساخته ایم ۶ کاره، با ویژگی هایی کاملاً متفاوت نسبت به دستگاه های ورزشی موجود در بازار که قطعاً در پشت صحنه ی ساخت این دستگاه هدف هایی نهفته بوده است؛ از جمله رفع مشکلات مردم، به دست آوردن موقعیت و درآمدی خوب. با توجه به اینکه ما در ساخت این دستگاه محدودیت های مادی داشتیم و کارگاهی مجهز در دسترس ما قرار داده نشد، بسیار موفق عمل کردیم و از ساخت این دستگاه و تلاش و همت خود رضایت کامل را داریم. لازم به ذکر است که با این دستگاه می توان ۶ کار به صورت همزمان انجام داد(اعم از تردمیل-دوچرخه-شنا سوئدی-ماساژ-استفاده از دستگیره محرک و...) و چون تردمیل بدون موتور الکتریکی کار می کند، می تواند به خوبی نظر خریداران و حتی فروشندگان را جلب کند. حرکت تسمه اصلی تردمیل این دستگاه با رولیک هایی کار می کند که در جلو و عقب دستگاه قرار دارند؛ البته موتور الکتریکی کوچکی در این دستگاه قرار دارد که در ادامه به بررسی ویژگی های آن می پردازیم. نکته قابل توجه در این بخش این است که با حرکت روی تردمیل، نور تولید می شود و با افزایش سرعت یا کاهش آن، این نور که توسط LED های روی دستگاه نشر می شود افزایش و کاهش می یابد. بخش دوچرخه کاملاً متفاوت است و تا کنون در هیچ کجای جهان چنین دوچرخه ای ساخته نشده است؛ که البته این دستگاه طبق استاندارد قد متوسط (یعنی قد ۱.۶۰ تا ۱.۷۰ متر) ساخته شده است و ممکن است برای قد های بالا یا پایین تر از ۱.۶۰ تا ۱.۷۰ متر مشکل ایجاد کند. بخش های دیگر دستگاه که شامل ماساژور دستگیره شنا سوئدی و ... هستند روی شاسی اصلی سپارند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

طراحی توربین بادی با محور عمودی

پارمیدا مسیح زاده
مدرسه بهرام رزمی
شیراز، فارس



کیمیا نظری
مدرسه دکتر طباطبایی
شیراز، فارس



امروزه با پیشرفت صنعت و فناوری نیاز به انرژی برای چرخاندن چرخ‌های اقتصادی (انرژی الکتریکی) افزایش یافته. بشر برای رفع خواسته‌هایش دست به استفاده از سوخت‌های فسیلی و منابع تجدیدپذیر و انرژی‌های پاک زد، ردپای انسان برای حل مشکل خود، اثرات مخربی بر روی زمین و هواکره نهاده، که در پی آن انسان و تمام موجودات دیگر دچار بیماری و مشکلات شده و حتی ممکن است منجر به منقرض شدن دسته‌ای از جانوران شود. در میان راهکارهای ارائه شده، انرژی‌های پاک، کمترین خسارت را وارد می‌کنند. در میان آنها نیز باد، گرمای زمین و انرژی خورشید به ترتیب از راست به چپ، کربن‌دی‌اکسید کمتری تولید می‌کنند، اما مزایای آن از چپ به راست بیشتر می‌شود. که بین باد و خورشید، باد مورد انتخاب وارد شده تا بتواند میزان انرژی الکتریکی تولید شده که مجموع انرژی‌های ذخیره‌ای و جنبشی است را با استفاده از سیم پیچی‌ای که در یک میدان مغناطیسی قرار دارد (ژنراتور)، به انرژی الکتریکی تبدیل، و پس از ارسال به نیروگاه، به سکونت‌گاه‌ها می‌رسد. البته موانعی برای تولید برق وجود دارند، بزرگترین مانع به دست آوردن تناسب مناسب بین شعاع چرخ و محور اول (پره‌های توربین بادی) با چرخ دنده‌های واسطه و نهایتاً با شعاع دایره چرخ ژنراتور بود. دومین مشکل از بین بردن اصطکاک و یا به حداقل رساندن آن بود. یقیناً که می‌توان با تحقیق‌های بیشتر و پیدا کردن مصالح سبک، مقاوم، ارزان و همچنین انتخاب اجزای مکانیکی مناسب برای به حداقل رساندن اصطکاک (تنوع بلبرینگ‌ها) موانع موجود برای طرح‌هایی در اندازه‌های بزرگتر را کاهش داد.

ساخت تردمیل بدون استفاده از برق

انسیه صفایی
مدرسه زینبیه
لامرد، فارس



یاسمن صفایی
مدرسه زینبیه
لامرد، فارس



گزارشی که پیش رو دارید روند ساخت یک تردمیل، اما به شکلی کاملاً متفاوت را به شما ارائه می‌دهد. تردمیلی ساده که هرکسی که اندکی از مهندسی سر در بیاورد می‌تواند آن را تعمیر کند و یا حتی آن را بسازد! حرکت آسان و شکل جالب و مفرح آن که ایده‌ی آن از چرخ همستر گرفته شده است، این امکان را فراهم می‌سازد تا به دید متفاوتی به این دستگاه داشته باشیم. شاید شما را به یاد زندان های انگلیس در قرن ۱۹ بیندازد، اما به شما این اطمینان را می‌دهیم که این دستگاه، باعث بیگاری کشیدن از هیچ زندانی نخواهد شد!

چتر جمع آوری باران

مهدي حياتي
مدرسه شهيد دستغيب
لامرد، فارس



امير باسردويي
مدرسه شهيد بهشتي
لامرد، فارس



عباس ابراهيمي
مدرسه شهيد دستغيب
لامرد، فارس



یکی از بحران های سال های اخیر که بسیار حیاتی است مسئله آب است که کشورهای زیادی از جمله کشور ما را درگیر خود کرده است. اگر برای این مسله تدبیری اندیشیده نشود باعث ایجاد معضل در مناطق مختلف (مخصوصا مناطق خشک) می شود. کشورها دچار بی آبی شده و بسیاری از کارخانه ها و... از کار می افتند. اگر بتوانیم قسمتی از آب مورد نیاز هر خانه را از طریق خودش تامین کنیم به طوری که نیاز کمتری به منابع آب داشته باشد به کنترل این بحران کمک بسیاری می شود. برای کمک به حل این مشکلات **چتر جمع آوری باران** را طراحی و ساخت کرده ایم. استفاده از این وسیله برای تامین قسمتی از آب مورد نیاز هر خانه توسط خودش باعث رهایی هرچه بیشتر از نیاز به آب منابع است. در نتیجه میزان حفر چاه ها و نیز هزینه انتقال آب نیز کاهش می یابد. که مورد اول به محیط زیست کمک می کند (حفر چاه باعث خشکی زمین و نشست آن می شود) و مورد دوم از لحاظ اقتصادی به افراد و کشور ها کمک می کند. (هزینه احداث منابع و شکستن لوله ها و موارد دیگر) برای همگانی کردن این طرح نیاز به تحقیقات جامع درباره منابع آب و میزان بارش در مکان های مختلف است. باید نیازهای هر مکان به آب منابع سنجیده شود. اگر در یک منطقه باران نمی بارد استفاده از منابع آب ارجح است. و اگر منطقه ای باران کافی دارد اما هزینه انتقال آب در آن بیشتر از استفاده از این طرح است می توان از این وسیله استفاده کرد. مسلما با استفاده از این طرح ارتباط خانه با منابع آب شهری و روستایی به طور کامل قطع نمی شود بلکه به میزان های متفاوت در هر مکان کاهش می یابد. اگر بتوانیم آب پاک باران را در مواقع باران به خوبی جمع آوری کنیم می توانیم از آن برای شستشوی پوشاک (قسمت عمده مصرف آب)، حمام و... استفاده کنیم. از آنجا که شستشو بخش اعظم مصرف آب را دربر می گیرد واضح است که مجموع هزینه ها به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. در واقع این طرح به توسعه پایدار کشورها کمک می کند.

ساخت تردمیل بدون استفاده از برق



احسان دهدار
مدرسه شهید دستغیب
لامرد، فارس

محمدحسین منصوری
مدرسه امام صادق (ع)
لامرد، فارس

امیررضا حیدری
مدرسه شهید دستغیب
لامرد، فارس

مشکل اساسی در این نوع تردمیل‌ها یکنواختی و عدم تغییر سرعت آن است که باعث کناره‌گیری افراد از آن می‌شود. یکی از مشکلات دیگر در سر راه تردمیل‌های بدون برق انرژی اولیه زیاد برای برای به حرکت در آوردن آن است که این مشکل افراد کم توان و ضعیف را در مرور زمان اذیت کرده و باعث کناره‌گیری آنها از تردمیل می‌شود. مسئله‌ی دیگر، نداشتن ترمز یا وسیله‌ای برای توقف تردمیل است. هدف از این طرح کمک به افرادی است که وضع مالی خوبی ندارند و می‌خواهند روی تردمیل ورزش کنند. زیرا که این طرح از قیمت تمام شده‌ی کمتری نسبت به سایر تردمیل‌ها برخوردار است و در ضمن با خرید این مجموعه صاحب دو وسیله برای ورزش خواهند شد. از اهداف دیگر طرح، کمک به جابه‌جایی بهتر در آپارتمان است دلیل آن کوچک و سبکتر بودن آن نسبت به سایرین است. به علاوه به مردمی که در مناطق بدون برق هستند و کسانی که توان پرداخت هزینه‌های بالای برق را ندارند کمک می‌شود. در این پروژه با بهره‌گیری از یک دوچرخه ثابت انرژی کمتری برای به حرکت در آوردن مجموعه لازم است علاوه بر آن فلائوبیل و دنده‌ها نیز به رفع مشکل کمک می‌کنند، دنده‌ها باعث عدم یکنواختی سرعت مجموعه می‌شود. در این طرح، با قرار دادن ترمز بر روی فلائوبیل تردمیل مشکل توقف حل شده است. هزینه‌ی زیاد برخی قطعات و آهن، همچنین نایابی فلائوبیل مناسب برای طرح و مواجه شدن با مشکلاتی همچون ایجاد تغییر شیب و نصب خورشیدی‌ها برای تغییر سرعت و محکم (فیکس) نبودن تردمیل و دوچرخه از مشکلات موجود در مسیر ساخت می‌تواند باشد. در آینده می‌توان برای بهبود طرح به‌جای استفاده از چوب از آهن و آلومینیوم استفاده کرد، همچنین می‌توان خورشیدی تردمیل را بیرون از چارچوب قرار داد که از کوچکتر بودن تسمه نقاله و صدمات احتمالی جلوگیری کرد و می‌توان درجه‌های تغییر شیب و تعداد دنده‌ها را افزایش داد.

سامانه آموزش مجازی

پوریا قنبری
مدرسه شهید بهشتی
خنج، فارس



علیرضا قادرپور
مدرسه شهید بهشتی
خنج، فارس



پارسا قادری
مدرسه شهید بهشتی
خنج، فارس



سام طرح یک کسب و کار است که به بهبود فرآیند آموزش های مجازی کمک می کند. از این رو این پروژه سام نام گرفته است؛ واژه سام مخفف "سامانه آموزش مجازی" است. امروزه خدمات دهندگان آموزش مجازی بسیارند، اما سام با تفکری نوین وارد این عرصه شده است. همچنین مدیریت این سامانه با طراحی اکوسیستم بخصوص، بدون بروز هرگونه مشکل و بسیار ساده به فعالیت می پردازد. هرکسی می تواند در وبسایت ثبت نام کرده و به عنوان کارآموز، مدرس یا هر دو به فعالیت بپردازد. ناگفته نماند که تمامی آموزش ها بررسی شده و از فیلترهایی گذرانده می شود. همچنین کاربران می توانند نظرات خود را درمورد آموزش ها ثبت کنند و به آنها امتیاز دهند. پروژه سام در قالب یک وبسایت مشغول به ارائه خدمات می شود، همچنین در کنار آن، اپلیکیشن مخصوص پلتفرم های مختلف نیز وجود خواهد داشت که فرآیند آموزش را هم برای کارآموزان و هم برای مدرسین راحت تر خواهد کرد. در مبحث پرداخت نیز می توان گفت که درصد احتمال کلاهبرداری به صفر رسیده است و جای نگرانی برای کاربران وجود ندارد. درآمد این پروژه نیز با دریافت درصد بسیار کمی از تراکنش ها تأمین می شود و وابسته به مشتریان و میزان استفاده آنها است.

بهینه سازی بال های توربین بادی جهت آسیب ندیدن در مقابل طوفان ها

محمدعرفان سلمانی نژاد
مدرسه آزادگان
استهبان، فارس



علی ایزدی
مدرسه آزادگان
استهبان، فارس



کیارش رویگر
مدرسه آزادگان
استهبان، فارس



استفاده از سوخت های فسیلی و انرژی های تجدیدپذیر روز به روز در حال پیشرفت و گسترش می باشد که این در کشورهای اروپایی بسیار مشهور است. یکی از این انرژی ها، انرژی باد است که از توربین های بادی استخراج می شود این توربین ها گران هستند و هزینه های نسبتا زیاد و گرانی را در پی خواهد داشت و اگر طوفان ها و بادهای شدید آسیب ببینند هزینه ی زیادی را برای صاحبان نیروگاه ها به همراه می آورد و ممکن است طی این اتفاق برق بخشی از کشور بشود. پس ما تصمیم گرفتیم با قرار دادن یک موتور سرو در زیر قسمت بالایی توربین در مواقع ضروری با توجه به دو مولفه ی سرعت و جهت باد که از دو سنسور جدا دریافت می شود موتور سرو را به حرکت در آورده و زاویه ی بالا تیغه توربین را تغییر دهیم و در مواردی هم بازده را افزایش دهیم که ساخت این دو سنسور (سنسور تعیین جهت و سرعت) با توجه به کم بود امکانات در محل تحقیق کار را دشوار می کرد و ما را مجبور می ساخت تا از ابزار هر چند کم خود بهره مند شویم. امید است در آینده ای نه چندان دور با ساخت دوباره ی این پروژه در ابعاد بزرگتر ایده مان را پخته تر و کامل تر کنیم.

دستگاه آب شیرین کن خورشیدی

لیلا کشاورز

مدرسه شهید مطهری
استهبان، فارس



فاطمه فربود

مدرسه شهید مطهری
استهبان، فارس



از آنجا که تقریباً سایر موجودات کره‌ی زمین برای زنده ماندن به آب های شیرین وابسته اند اما با وجود اینکه بیش از هفتاد درصد کره ی زمین را آب فرا گرفته است ما با کمبود آب شیرین مواجه هستیم و تمام موجودات روی کره ی زمین در گیر مشکل کمبود آب شیرین هستند. هدف کلی ما از طرح خود از بین بردن مشکل کم آبی (آب شیرین) از طریق شیرین کردن آب های شور به وسیله ی آب شیرین کن های خورشیدی است. ما با استفاده از آب شیرین کن های خورشیدی میتوانیم آب های شور را به آب های شیرین تبدیل کنیم تا سایر موجودات بتوانند از آب های شیرین استفاده کنند و سازه ی ما (آب شیرین کن خورشیدی) از این قاعده مستثنی نیست. مشکلی که برای ما در انجام این طرح به وجود آمد پیدا نشدن ظرف پلاستیکی برای قرار گرفتن روی مخزن های آب شور و هدایت بخار آب به مخزن آب شیرین بودو مشکل دیگر ما این بود که باتری نه ولی را خریداری کردیم اما آرمیچری که از آن استفاده میکنیم دوازده ولتی است و مجبور شدیم از آداپتور که با برق شهری کار میکند استفاده کنیم تا آرمیچر ما را به حرکت در آورد. در ساخت پمپ دستی هوا ساز ما ابتدا سوپاپ را اشتباه درست کردیم و مجبور شدیم دوباره با استفاده از وسایلی جدید پمپ را درست کنیم اما این بار آرمیچر نمی توانست صفحه سوپاپ را تکان دهد به همین علت سه بار جای آرمیچر را عوض کردیم و ما در کل هشت بار این سازه را ساختیم تا بالاخره پمپ هوا ساز دست ساز ما درست کار کرد.

کفش سبز (green shoes)

نرجس رضایی
مدرسه یاس
شیراز، فارس



ندا صالحی
مدرسه یاس
شیراز، فارس



امروزه با مشکلات جدی و فراگیری روبه‌رو هستیم که بشر برای از بین بردن آنها ناتوان است. تنها می‌توان با ابتکارات و روش‌های جدید، تاثیرات آنها را کمتر کرد. یکی از این مشکلات، آلودگی هوا ناشی از مصرف بیش از حد سوخت‌های فسیلی است. اینکه برای تولید گرما، برق و... از سوخت‌های فسیلی استفاده کنیم، هم باعث آلودگی می‌شود و هم هزینه‌های جبران‌ناپذیری همچون اتمام سوخت‌های فسیلی و نابودی بشریت را به همراه دارد. پس انسان برای حل این مشکل، با استفاده از منابع طبیعی، انرژی‌های تجدیدپذیر را جایگزین کرد. غافل از اینکه حتی انرژی‌های تجدیدپذیر هم مشکلاتی به همراه دارند. حال اگر انرژی‌های تجدیدپذیر هم شکست بخورند چه باید کرد؟ دانشمندان ژاپنی با توجه به رفت و آمد میلیون‌ها نفر در ایستگاه‌های مترو در این کشور، به فکر استفاده از این پتانسیل افتادند و در اقدامی آزمایشی، تجهیزات مخصوصی را در ورودی‌های یکی از ایستگاه‌های مترو نصب کردند که ارتعاشات ناشی از رفت و آمد مردم را به انرژی برق تبدیل می‌کند. اما این ایده با وجود فواید زیاد، فقط محدود به همان مکان است. پس چه بهتر است از این سیستم در وسیله‌ای استفاده کنیم که همه‌جا قابل استفاده باشد. وسیله‌ای مثل کفش. ولی در انجام هر کاری موانعی وجود دارد. موانعی که در ساخت این کفش سد راه ما شدند شامل تحریم، گرانی، نبود امکانات، دسترسی سخت به اطلاعات لازم و... بودند. ما با شرایط موجود (مثل تحریم بودن بسیاری از قطعات مهم و فیلتر بودن اکثر سایت‌ها و نداشتن دسترسی به همه‌ی اطلاعات) نهایت تلاش‌مان را کردیم تا وسیله‌ای مفید بسازیم. با این حال با از بین رفتن اینگونه مشکلات می‌توان طرح را بهبود بخشید.

بازی زمانه

صدف آلسعدی

مدرسه خرد

خرامه، فارس



زوجی به نام مریم و فرهاد پس از چند سال زندگی مشترک و با پسری ۶ ساله به نام رضا، به دلیل اختلافات و درگیری‌های پیش آمده در این مدت، قصد دارند از هم جدا شوند.

بعد از دعوا و کشمکش‌های فراوان طی این سال‌ها آنها از هم جدا می‌شوند. روز دادگاه قاضی حضانت رضا را به فرهاد می‌دهد. بعد از اتمام جلسه دادگاه بی‌قراری‌های رضا برای رفتن به پیش مادرش شروع می‌شود، اما فرهاد موافقت نمی‌کند و بعد از پافشاری‌ها و التماس‌های فراوان رضا، پدرش قبول می‌کند تا چند روزی پیش مادرش بماند و بعد از آن، پیش او برگردد. فرهاد برای اینکه مدتی از پسرش دور است کمی گرفته است اما فقط به خاطر رضا این اجازه را می‌دهد. اما در این چند روز اتفاقاتی می‌افتد که زندگی آنها ...

آیا این داستان، داستان جدایی است یا...

آخرین راه

علیرضا آقارضایی
مدرسه البرز
فیروزآباد، فارس



سیال ذهن!

شاید تا به امروز این عبارت برای شما ناشناخته بوده باشد ولی من انجام که شما رو با اون آشنا کنم. هوشمندانه بودن و متفاوت بودن از جمله ویژگی های چشم گیر این سبک داستان نویسی است. درسته، یه سبک داستان نویسی! من هم مثل شما وقتی که با این سبک برخوردی نداشتم، نمی-فهمیدم اصلا چی هست اما بعد از آشنایی بسیار بسیار مجذوبش شدم. داستان ارسال شده اولین نوشته ی من در این سبک بود که تلفیقی از ماجرای داستان های گذشته هم هست. این داستان علاوه بر تفاوت ساختاری، در زمان نوشتن هم با بقیه داستان ها فرق داشت. چه فرقی؟ همه ی داستان ها در ساعات مختلف روز نوشته می شدند اما این داستان در ساعات ۳ الی ۵ بامداد با ذهنی آشفته و خواب آلود نوشته شد که به نظر من به جذابیت اثر افزود. بریم که تفسیر این داستان متفاوت یعنی داستان " آخرین راه " رو باهم داشته باشیم:

داستان از اونجایی شروع شد که برای بدست آوردن پول جهت پرداخت مهریه، کارکتر اصلی داستان یعنی علیرضا دست به کار های مختلفی میزنه. اگر بگیریم که همه ی راه ها رو رفته، اغراق کردیم ولی بیشتر و شاید همه ی راه های در حد توانش رو انجام داد. سرانجام روز موعود فرا رسید. روزی که احضاریه دادگاه در دستان علیرضا قرار گرفت! علیرضا با ترسی که از دادگاه داشت دست به تصمیم عجولانه ای به نام قمار زد. قماری که خیلی وقت پیش بهش پیشنهاد شد اما اون موقع، چنین روزی رو تو خواب هم نمی دید! قماری که چشم زندگی رو روی علیرضا بست! قماری که آخرین راه بود!

آخرین راه؟ شما بگیرد که اگر جای علیرضا بودید، آخرین راه رو انتخاب می کردید یا نه؟ با راهکار شما میشه به علیرضای داستان زندگی دوباره هدیه داد؟

چند ترشیده

فاطمه الهی
مدرسه زهراى اطهر
استهبان، فارس



شما در داستان چند ترشیده شاهد وقایعی خواهید بود که شاید هر دختر یا پسری آن را تجربه کرده باشد یا در آینده تجربه کند و شرح حال بیشتر هم‌سن و سالان من به زبان طنز است که قول می‌دهم حوصله‌تان را سر نبرد. داستان از این قرار است که چند دختر در روز ولنتاین قرار می‌گذارند به فضا بروند؛ با سفینه‌ی تازه ساختی که حاصل نوآوری جوانی به نام محمد است. در آن میان اتفاقات شیرینی برای آنها می‌افتد

پرواز قهرمانی

راییتی باقری لنکرانی
مدرسه علوم پزشکی
شیراز، فارس



هیچ کس نمی دانست که امروز یکم این ماه می تواند آخرین روز از این ماه باشد. یادم می آید وقتی که مادرم می خواست برای مراسم تدفین از خانه بیرون برود با عجله دستبندی که پدر بزرگ برایم خریده بود به همراه نامه ای کوچک که در آن از خوبی هایش و اینکه این ۱۲ ساعت که نبوده چقدر سخت گذشته نوشته بودم را درون کیسه ای گذاشتم و به مادرم گفتم آن را قبل از خاک سپاری پدر بزرگ روی سینه اش بگذارد. نمی دانم برای این افکار کودکانه باید غبطه خورد یا خندید؟ به خیالم او از خواب ابدی بلند می شود، نامه را باز می کند، می خواند و دوباره به خواب فرو می رود. شاید هم دیگر دست های سردش زیر خاک توانایی باز کردن آن نامه را نداشته باشند و تا ابد حرف هایم روی سینه اش باقی بماند...

وقتی واردینیا آمد

نجمه خلیفه

مدرسه امین فاطمه الزهرا(س)
شیراز، فارس



تا حالا شده با یک چیزی که بدتان می آید در یک خانه گیر افتاده باشید؟ چه کار می کردید اگر آن موجود یک شیطان از آب در می آمد؟ حالا اگر آن موجود گربه ی خواهر مرحوم معلم تان بود و هرگونه نفرین، ناسزا و توهینی نسبت به او تنبیه سنگینی از جانب مادر بزرگ تان به همراه داشت او را نمی کشتید؟ اگر این موجود اهریمنی به ظاهر گربه سعی می کرد آرامش تان را به هم بزند او را از روی خشم در دیگ بزرگی که از قبل پر از آب کرده بودید و حالا داشت می جوشید نمی انداختید تا وجود شیطانی آن را یک بار برای همیشه از روی زمین پاک کنید؟ می دانید اصلا دارم این سوال ها را از شما می پرسم که یک راه حل کارساز و خفن به من بدهید تا این تپه خزه ی سیاه و شیطانی با دو چشم ترسناک سبز را از خانه بیرون بیندازم. از وقتی که پایش را اینجا گذاشته همه چیز عجیب و غریب شده است و بدترین قسمت ماجرا هم این است که بدانی مقصر اصلی همینجا است! درست همینجا! بله خودم را می گویم حالا که فکر می کنم ورود آن گربه به خانه و اصلا همه چیز از روز هالووین شروع می شود...

آرشا

فاطمه داورپناه
مدرسه میثم تمار
شیراز، فارس



داستان از اونجایی شروع میشه که پسرکی در کره مشتری به همراه فرامشتری ها و باغچه تک پرهای نورافشان زندگی میکرد روزی از روزها که رنگ آسمان به رنگ گلها بود و ان به ابیاری خارهایی که از آنها تغذیه میکرد پرداخته بود که صدای مهیبی به گوش رسید ناگهان جسمی کره پیکر روی مشتری افتاد و موجود عجیب و غریبی که در ان وجود داشت پایین آمد هنگامی که به خوردن خارها فکر کردم حس بدی به من دست داد بیخیال شدم و شروع به نوشتن کردم که یک لحظه

حُسنی جان

احمدرضا دهقانی

مدرسه توحیدی

شیراز، فارس



این داستان در مورد زنی در گذشته است و نمایی از سال‌های گذشته زندگی او در این کتاب به صورت داستان‌هایی پدید آمده است. این داستان‌ها قسمت‌هایی از زندگی اوست که خواننده را می‌تواند از زندگی امروزه در شهرهای نوین، به قسمت‌هایی از زندگی مردمان گذشته در روستاهایی بدون امکانات ببرد و در واقع خواننده وارد تونل زمانی می‌شود که کلمات به آن جهت می‌دهند. شخصیت داستان، که نامش عیناً دیدن جلد یا صفحه‌ی اول کتاب آشکار است، زنی است روستایی که در طول زندگی خود سختی‌هایی داشته است که قطعاً برای شما جالب خواهد بود. او پدرش را ازدست می‌دهد، شوهرش را بیماری از بین می‌برد، داغ فرزندش را می‌بیند، در مقابل ظلم می‌ایستد، در مقابل سختی‌ها کمر خم نمی‌کند و... که آن را با خواندن کتاب می‌توان فهمید. اما اگر حوصله خواندن رمان‌های چند صفحه‌ای ندارید، لاقلاً داستان‌هایی جذاب و کوتاه مانند داستان **حُسنی جان** را بخوانید زیرا نه آنقدر طولانی هستند که حوصله آدم سر برود و نه آنقدر پیچ در پیچ و نامفهوم که مغز از درک آن درمانده شود.

به امید آنکه شما یکی از خوانندگان کتاب بنده حقیر درباره‌ی آن دلیر زن ایرانی باشید.

رستای در بند

فاطمه رزازی
مدرسه اسسوه
فیروزآباد، فارس



«تازه متوجه شدم که در میان جنگل حلقه‌ای از آتش برافروخته بود. در پشت میزی پایه بلند ایستاده بودیم، میزهای دیگری نیز وجود داشت که کسی در کنار آنها نبود. با تعجبی که به خوبی در چهره‌ام نمایان بود. نگاهی به او کردم و گفتم: می‌دانم گفته‌ای سوالی نپرسم اما اینجا که جز من و تو کسی وجود ندارد. زیرکانه خندید، به آتش بزرگ میان مجلس نگاه کرد و گفت: دوستان وقت این است که مهمانی را شروع کنید. لیوان‌های روی میز شروع به لرزیدن کردند. از ترس قادر به سخن گفتن نبودم. همین که چهره‌ی زرد و بی‌جان مرا دید دستانم را فشرد و گفت: چه شده است که آنقدر ترسیده‌ای! موردی برای ترسیدن وجود ندارد. درحالی که دستانم می‌لرزید. به حرکت لیوان‌ها اشاره کردم. با خنده گفت: باید به این چیزها عادت کنی. دستانم را رها کرد و بی‌توجه به من لیوان آب روی میز را سر کشید و به روبه‌رو خیره شد و بشکنی زد. با دقت به رفتارهای عجیبش نگاه می‌کردم، تا شاید بفهمم چه اتفاقی در حال افتادن است؟ با اشاره او شعله‌های آتش می‌رقصیدند و زبانه می‌کشیدند، سمفونی مردگان به یادم می‌آمد، آواهایی که بیشتر شبیه جیغ بود، و بوی عودی که در فضا پیچیده بود... این صحنه را در فیلم‌های ترسناک دیده بودم و چه شب‌ها که با یاد آوریش خواب از چشمانم رفته بود، دندان‌هایم مثل وقت سرما از ترس می‌لرزیدند و نفسم بند آمده بود، پیش چشمانم سیاهی رفت و...»

این داستانی است از ترس و هیجان و عشق، دختری که در ذهنش ماورای طبیعت را می‌کاود. در سایه‌سار درخت چنار حوادثی را از سر می‌گذرانند، که ترس و هیجان را با تمام وجود حس می‌کند. ماورای طبیعت آنقدر حریص است که همه جزئیات زندگی او را می‌بلعد و او را دست خالی می‌گذارد. اما عشقی جاودان او را به زندگی‌اش برمی‌گرداند و حلقه‌ی ابدی رستا می‌شود..

چهلمین روز نفر سوم

زهرا رضایی
مدرسه بهبهانی
کازرون، فارس



خلاصه داستان: دختری برای پرستاری به تیمارستان می‌رود و مسئولیت نگهداری از سه نفر که شیمیایی دوره‌ی جنگ هستند را بر عهده می‌گیرد، هر سه نفر قصد خودکشی داشته و بارها اقدام به انجام این کار کرده و موفق نبوده‌اند، پرستار جوان با گذراندن مدتی در کنار آن سه نفر و دیدن رفتارهای غیر نرمال آنها، نگرش انسان‌های دیوانه را در ذهن خود جای می‌دهد، با مرگ ناگهانی یکی از آن سه نفر، پرستار آشفته می‌شود و رفتار نرمال خود را فراموش می‌کند، روز چهارم نفر اول، مرگ نفر دوم رخ می‌دهد و پرستار در روز چهارم نفر دوم، شرایط را برای خودکشی نفر سوم فراهم می‌کند و با این کارش از آسایشگاه اخراج می‌شود، او تا چهل روز خود را در خانه حبس می‌کند و روز چهارم نفر سوم خودش خودکشی می‌کند تا به آنها در جهانی دیگر ملحق شود به این ترتیب یک مرگ زنجیره‌ای با فاصله زمانی چهل روزه در داستان به نمایش گذاشته می‌شود و همچنین داستان با چند مشکل شایع در جامعه آمیخته شده است.

برداشت: هر انسان عاقلی که به نگرش و اعتقاد صحیح خود پایبند نباشد، با قرار گرفتن در یک جامعه‌ی نادان، با نگرش غلط، اعتقاد اصلی خود را از دست می‌دهد و با دلایل غلط انسان‌های نادان، خود را قانع، و با آنها هم عقیده می‌شود.

تذکر: و در آخر لازم به ذکر است در این داستان فضا به سمتی سوق داده شده که خواننده به این بیت اعتقاد پیدا می‌کند:

من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر من عاجزم ز گفتنو خلق از شنیدنش

خانه نفرین شده

شادی زردشت
مدرسه نرجس
شیراز، فارس



داستان درمورد دختری به نام کلارا و خانواده‌اش است. پدر این خانواده به علت مشکلات زیاد زندگی مجبور به ترک کردن خانواده و رفتن به کشوری دیگر برای کار کردن و بدست آوردن پول برای خرج خانواده‌اش است. کلارا یک برادر دوقلو و یک خواهر کوچک‌تر نیز دارد که برادرش از ابتدا تولد فلج بوده و همچنین قادر به حرف زدن نیست. مادر این خانواده تلاش‌های بسیار زیادی برای درمان پسرش انجام می‌دهد اما هیچگاه تلاش‌های او به نتیجه نمی‌رسد و این موضوع باعث می‌شود که مادر کلارا افسرده شود و امیدش را به خدا از دست بدهد و تصمیم وحشت‌انگیزی بگیرد؛ تمام این ترس و وحشت‌ها با رفتن به خانه‌ی جدیدی که آنجا تسخیر شده توسط شیخ است آغاز می‌شود. آن خانه جایی است که هیچکس آن نزدیکی‌ها زندگی نمی‌کند و گویا عده‌ای از مردم باور دارند که این خانه تسخیر شده است و آخرین بار کشیشی وارد آن خانه شده اما دیگر خبری از بازگشت او یافت نشده است. خانواده کلارا وارد آن خانه می‌شوند و پس از مدتی کلارا متوجه چیزهای عجیبی در آن خانه می‌شود که باعث می‌شود که اتفاقات ناگواری برایش بیفتد و با مشکلات و چالش‌های خوفناکی روبه‌رو شود کلارا هر شب در اتاقش صداهای عجیبی می‌شنود که باعث به‌وجود آمدن ترس در دل‌های او می‌شود و او پس از مدتی متوجه حضور شبحی در خانه می‌شود اما برای نگران نکردن دیگر اعضای خانواده به کسی چیزی نمی‌گوید اما روزی فرا می‌رسد که آن شیخ بدن برادرش را تسخیر می‌کند و اتفاقات زیادی رخ می‌دهد که در نتیجه، باعث تسخیر شدن شیخ توسط یک کشیش می‌شود اما اتفاق ناگواری رخ می‌دهد که باعث از هم پاشیده شدن این خانواده می‌شود و همچنین مادر کلارا در بیمارستان بستری می‌شود و هر روز به در بیمارستان زل می‌زند، گویا که منتظر آمدن فرد خاصی هست که هیچگاه نمی‌آید....

رفیق واقعی

مهديه زماني
مدرسه رقيه بديعي
لامرد، فارس



اون روز خیلی ناراحت بودم از دست دوستایی که توی تک تک لحظه های زندگیتم همراهت بودن و حالا یه همچین کاری باهات کردن . دوست داشتم باور کنم که دوستام راز منو فاش نکردن اما کسی دیگه هم از این موضوع خبر نداشت. خیلی سخت بود درس خوندن توی مدرسه ای که همه تو رو به چشم یه سرطانی نگاه کنن و بعضی ها ازت فاصله بگیرن که مبادا مریضی - ت واگیردار باشه اما از اون سخت تر دل کندن از دوستایی بود که پنج سال توی تمام خاطراتم جا داشتند. بعد از سه سال بالاخره با یه عمل می تونستم از شر بیماریم راحت بشم. اون روز، روز سختی بود هم برای من هم برای پدر و مادرم. خاله و مامان بزرگ و دایی و همه توی بیمارستان پشت در اتاق عمل بودند. چشمامو باز کردم همه دورتا دور تخت من ایستاده بودند اون لحظه فقط از مامانم پرسیدم: مامان چی شد؟؟

ستاره دنباله دار

فاطمه سعیدی

مدرسه زینبیه
لامرد، فارس



هیچ انسانی از بدو تولد، موفق آفریده نشده و موفقیت، اکتسابی ست. برخی کوتاه‌نظران، می‌گویند پسران از دختران برترند ... اما اینطور نیست؛ این عقیده به قرن‌ها پیش باز می‌گردد؛ در حال حاضر بانوان برابری‌شان را با آقایان در تمامی رشته‌ها و حوزه‌های مختلف اعم از: درس، ورزش، سیاست، اقتصاد و صدها چیز دیگر، ثابت کرده‌اند ... داستان، درمورد شخصی است که از علاقه‌اش دست نکشیده و سختی‌ها را پشت سر گذاشته و برای تحقق یافتن آرزوهایش، تلاش کرده است. راستش در شهرهای کوچک، هدف خود را دنبال کردن، کمی دشوار است. اما با اراده و پشتکار قوی و تلاش و ... هیچ خواهسته‌ای غیرممکن نیست و هیچ کاری، نشد ندارد. برخی مواقع، شرایط به‌گونه‌ای است که باعث می‌شود ما از ته دل از جنسیت‌مان ناراضی باشیم و بخواهیم مانند جنس مخالف باشیم، ولی هیچ جنسیتی از دیگری برتر نیست و این خود ما هستیم که ارزش و ... خود را مشخص می‌کنیم. امروز، همان فردایی‌ست که دیروز از آن سخن می‌گفتیم. آینده، همین روزهایی‌ست که می‌گذرد و گذرشان حس نمی‌شود. خانواده انسان و حمایت آنها از فرزندان‌شان، در موفقیت و رسیدن به نتیجه دلخواه، بسیار موثر است. کسی که بخواهد به اهداف بزرگ و کوچکش دست یابد، همه‌ی سختی‌ها و دشواری‌های سر راهش را با قاطعیت پشت سر گذاشته و مطمئن‌تر و شکست‌ناپذیرتر به راهش ادامه می‌دهد. البته ناگفته نماند، کسی که به سوی هدفش گام برمی‌دارد و از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نمی‌کند، قطعاً به آن نتیجه‌ی مطلوب می‌رسد.

آنطور که شاعر می‌گوید:

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

دانه نکاشت و ابله و دخل انتظار کرد

آن کو عمل نکرد و عنایت امید داشت

مرز بی نهایت

حدیث شاهدوست

مدرسه شهید محمدالدوره

خنج، فارس



حال و هوای آن روزهای پدرم درکش خیلی سخت تر از قبل بود. رفتارش بکلی تغییر کرده بود. پدرم سالها بود چیزی می خواست، و حاضر بود برای رسیدن به هدفش، جانش را نیز فدا کند. مدت زیادی انتظار کشید، تا بالاخره آن طور که دلش می خواست، جواب بیقراری هایش را گرفت. روز هایی که بعد از پدرم سپری می شدند، روز های سخت و طاقت فرسایی بودند؛ مدام خاطرات شیرینی که با پدرم گذرانده بودم، ناخودگاه در گوشه به گوشه ذهنم می گذشتند؛ در این حالت بغض سرتاسر وجودم را فرا می گرفت. با چیز هایی که پدرم قبل از رفتنش وعده داده بود، می توانستم او را در لحظه به لحظه سختی هایم، احساس کنم، و هنوز هم ایمان دارم، که او هست و می تواند مانند قبل کنارم باشد. ولی هر چقدر هم که از این اتفاق بگذرد، هرگز برایم عادی نمی شود که پدرم رفت، تمام احساسات و اشتیاق های دخترانه ای می توانستم نسبت به او داشته باشم را نیز با خود برد. پدری که وقتی بود، احساس می کردم همه را دارم و با همچین انسانی که همه جا پشت و پناهم هست در زندگی نیاز به هیچکس دیگری نخواهم داشت. همیشه به این باور بودم که، پدرم هست که می تواند بهترین همدم در تنهایی ها و بهترین مونس در سختی ها برایم باشد. من چشمم را روی تمام خواسته ها و داشته هایم بستم، تا پدرم که بهترین اتفاق زندگی ام بود، به آرزوی قلبی که، دنیا را لایق رسیدن به آن نمی دید، برسد و طعم شیرین سعادت مندی را از اعماق وجودش بچشد.

ستاره دنباله دار

ابوالفضل شمشیری
مدرسه اسماعیل زاده
خنج، فارس



خلاصه داستان عشق رویایی (داستان عشق رویایی از ژنرال اشکبوس شروع می‌شود و یک جوهرایی سرنوشت ژنرال اشکبوس را رقم می‌زند. اشکبوس یک دیو است که وقتی برای جنگ با وهاب پادشاه سرزمین های دور می‌رود عاشق دخترکی می‌شود و جالب این جاست که عاشق دختر وهاب می‌شود، کسی که با او در جنگ است و تشنه خون یکدیگر هستند اما اشکبوس تسلیم نمی‌شود و برای به دست آوردن عشق خود سختی‌های زیادی می‌کشد و کارهای زیادی انجام می‌دهد. او آنقدر عاشق دخترک است که حتی شب‌ها هم نمی‌خوابد اما فقط ...)

داستان عشق رویایی فقط یک موضوع نیست بلکه دو موضوع در یک موضوع است (در داستان عشق رویایی تخیل و واقعیت باهم ترکیب شدن)

امیدوارم از داستان عشق رویایی لذت ببرین و همیشه پیروز سربلند باشید.

فرار از ابدیت

فاطمه ضرغامی
مدرسه دکتر طباطبایی
شیراز، فارس



شرح داستان در قرن بعد اتفاق می افتد و بر محور زندگی شخصی می چرخد که سال-های سال از نوجوانی، جوانی و بزرگسالی خود را صرف پیشرفت بشر می کند و باعث تحولی شگرف در سبک زندگی و امروز و فردای مردم می شود تا جایی که دیگر این کره ی خاکی برای انسان ها چونان قفسی می شود که خیال فرار از آن به سرشان راه پیدا می کند. داستان اشاره به مشکلاتی دارد که بشر با آن دست و پنجه نرم می کند و همگی از کردار خود آن هاست و زندگی را برای همه مشکل ساخته تا جایی که دیگر راهی برای گریز از آنها ندارند در نتیجه به فکر فرار از آنها می افتند. اما تا کجا فرار؟ برای چه فرار؟ چرا وضع به چنین جایی کشیده شد؟ فرار به کجا که انسان های ویرانگر به آن رحم کنند؟ آیا کاری از دست کسی ساخته است؟ اینها همه سوال هایی است که هنگام خواندن داستان به ذهن ما خطور می کند و باید با شکافتن داستان جواب را از دل آن بیابیم. آیا به راستی راه نجاتی خواهد بود؟ این داستان علاوه بر کلیت زندگی انسان ها و بلاهایی که سر دنیا آورده اند، به جزئیات و عواطف انسانی هم به خوبی پرداخته است تا جایی که خواننده می تواند خود را جای راوی داستان تصور کند و به خوبی او و احساساتش را درک کند و با او همزاد پنداری کند با اینکه قرنی با او فاصله دارد.

ارمغان شکیبایی

محمد جواد عظیمی
مدرسه شهید کلانتری
فیروزآباد، فارس



در شبی از شبهای سرد و تاریک روستایی از شهرستان فیروزآباد در میان زوزه‌ی گرگها و شغالها صدای جیغ و فریاد زنی به گوش می‌رسید. گویی نوزادی قصد پا به عرصه‌ی وجود نهادن دارد. کودکی که هنوز معلوم نیست چگونه خواهد زیست و چه سرنوشتی برایش رقم خواهد خورد. کسی نمی‌داند که این نوزاد ماهیت زندگی به معنای حقیقی کلمه را در آینده در آغوش خواهد کشید یا آنکه در زمره‌ی کسانی که تسلیم و مغلوب پیشامدهای تلخ چرخ گردون خواهند بود، قرار خواهد گرفت. در هر حال زندگانی آمیخته با جبر و اختیاری است که هر یک به نوبه‌ی خود تأثیری شگرف در سرنوشت انسانها دارد. این آغاز، روایت زندگی پسر بچه‌ای است که در روستایی به نام امین آباد از توابع فیروز آباد فارس چشم به جهان می‌گشاید. پسر بچه‌ای که اتفاقات زیادی را در مسیر طاقت فرسای زندگی پشت سر نهاده و مصائبی نفس‌گیر را از سر گذرانیده است. کودکی که در حال و هوای دنیای کودکانه‌ی خود، مظلومانه و جسورانه با پیشامدها و شرایط سخت دوران تحصیل و شرایط بگرنج زندگی دست و پنجه نرم کرده، از همان آغاز، با دشواری‌ها و مشقت‌های جهان، به توالی آشنا شده و با مذاقی کودکانه، سرد و گرم بی‌رحم روزگار را معصومانه چشیده است. رفته رفته جهان روی خوش خود را پس از پشت سر نهادن موانع و تنگناهای متعدد، به او نشان می‌دهد و او پس از عبور از جریان‌ها و اتفاق‌های بی‌شماری که در داستان بطور خلاصه بیان می‌شود دل‌سپرده‌ی دختر فرمانده‌اش در دوران سربازی می‌گردد. این داستان شرح مختصری از مبارزات قهرمانانه و نهایتاً موفقیت آمیز جلال الدین و نیز مصداقی از آیه‌ی شریفه‌ی [انّ مع العسر یسرا] می‌باشد و صدق ضرب المثل شیرین (پایان شب سیه سپید است) را به تصویر می‌کشد.

رویای خیس

فاطمه فرشتگان
مدرسه فرزندگان
شیراز، فارس



باسلام. در طی این ۸ الی ۹ ماه بنده تجربه ای فوق العاده داشتم. تجربه و فعالیتی که هیچگاه فکر نمی‌کردم بخواهم حتی درباره اش فکر هم کنم و وقت بگذارم. در این مرحله ابتدا با یک دوست علمی آشنا شدم به نام سرکار خانم شاهچراغی که کارمان از تابستان شروع شد. ابتدا طرح اولیه و بدون هیچ ذهنیتی برایشان فرستادم و ایشان نکات و کاستی ها را تذکر دادند و هر دفعه که برایشان طرح و نوشته ای می‌فرستادم ایان نکات را بازگو می‌کردند تا زمانی که نقایص به حداقل رسید و توانستم کار نهایی را ارسال کنم. در طی این چند ماه ایشان برای من داستان هایی به عنوان الگو می‌فرستادند تا شناخت بیشتری نسبت به داستان کوتاه پیدا کنم، چون تا قبل از این پروژه ها هیچ علاقه ای به نوشتن نداشتم و تا به حال حتی یک کتاب هم نخوانده بودم و به کمک این برنامه و ایشان نسبت به کتاب و نوشتن علاقه بیشتری پیدا کردم. در پایان از تمامی عوامل این برنامه متشکرم که فرصتی دادند تا کارهای جدیدی انجام دهیم و به راه های جدیدی دست یابیم.

من و یک عالمه ...

اسما قیصری پور
مدرسه فدک
لامرد، فارس



چند مدت قبل یک داستان خواندم که فکر نمی کردم یک توضیح به این سادگی بتواند مراکه انسان بی حوصله ای هستم، اینگونه وادار به به خواندن کل آن داستان کند. منظورم متن اول داستان که نوشته بود: " مادر بعضی از مواقع زندگی لحظات سختی از زندگی را می گذارنیم که فراموش می کنیم افرادی هستند که حتی حاضرند در دنیا فقط همین کمبودهای پاپیش افتاده و ناچیز را در زندگی داشته باشند. حتی تا آخر عمرشان هم این کمبودها رفع نشود، اما باز ماها این را نمی پذیریم تا اینکه زندگی آنها را با چشم مشاهده کنیم یا اینکه داستان زندگی آنها را بخوانیم. همانند همین داستانی که شما خانم محترم یا آقای محترم خواستید بخوانید "من و یک عالمه" آری در اینجا با زندگی به سبک خیلی ساده آشنا می شوید که یکی از افراد این خانواده که روحیه ای حساس و ضعیف دارد باعث می شود که همچنین زندگی ای که باید از راه کنیزی پول غذا و نان را تعیین کند نپذیرد و چندین بار به فکر راه خطرناک برای رهایی از زندگی ای بشود که با پشتیبانی خداوند از این مراحل عبور کند تا جایی که فردی او را وسوسه کاری دیگر کند و با پذیرفتن آن کار خود را درگیر تنهایی و کمبود بودن خانواده در کنارش بشود تا حتی جاییکه در سن پایین پایش به زندان باز شود. اما از آنجا که خداوند به همه انسان هایش لطف و مرحمت دارد و نگاهش به انسان هایش که به او نیازمند هستند بسیار است، او را دوباره به راه راست باز می گرداند، اما وقتی باز می گردد متوجه خطایی می شود که شاید آن اشتباه قابل جبران نباشد. ولی با وجود خانواده ای خوب و با حمایت آنها دست بر زانو خویشتن گزارده و از زمین بلند می شود و در آخر به فردی که علاقه مند بوده در دوران نوجوانی می رسد و با تجربیات مفیدی که از میان مردم کسب می کند، زندگی ای که راه آخرش به خداوند ختم می گردد ادامه می دهد...." وقتی کلمات قدرتمند را می خواندم به شوق آمدم و تصمیم گرفتم که کامل داستان را در همان روز بخوانم. حس و حالی که بعد از خواندن داستان پیدا کرده بودم ناگفتنی است. مگر اینکه خود شما هم این داستان را بخوانید.

بعد از مادر

رقیه کاظم زاده
مدرسه خاتم الانبیا
استهبان، فارس



داستان در رابطه با دختری است که به مادر پیرش بدون هیچ دلیلی ظلم میکند حتی روزهای آخری که مادرش در بستر بیماری محتاج یک لیوان آب است که دستش بدهند او به مادر اعتنایی نمی کند. بعد از مادر افسرده و گوشه گیر می شود و دخترش را نارس به دنیا می آورد. از بیمارستان فرار میکند تا اینکه سر از قبرستان در میاره میره سر قبر مادر و کلی گریه و زاری... وقتی از قبرستان بیرون میاد تو مسیر ماشینی بهش میزنه. دختری که نزدیک یک سال جز متین همسرش هیچ کس دیگه بهش توجهی نمی کنه و همه اونو روانی فرض میکنند بالاخره از دستشون راحت میشه و میره تو حالتی بین مرگ و زندگی...

قدم سوم

مریم کشاورز
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



داستان کوتاه قدم سوم در سبک ترسناک و تخیلی نوشته شده، در آخر کمی هم به شیوه‌های روان‌شناختی روی آورده اما توضیح دقیقی در داستان برای اتفاقات روان‌شناختی آخر داستان آورده نشده و همین هم باعث می‌شود ذهن خواننده برای پیش‌بینی کردن و فرضیه دادن برای دلایل اتفاقات، و گذشته دخترک آزادتر باشد. این داستان که با هیجان ناگهانی و جذابی شروع می‌شود درباره زندگی یک دختر بچه نوشته شده که در جزیره‌ای کنار خانواده و دوستانش با خوشحالی زندگی می‌کند اما ناگهان و آرام آرام اتفاقات عجیبی در جزیره شروع به افتادن می‌کنند که همه به هم وصل هستند و در زمان کوتاهی تمامی مردم جزیره می‌میرند و فقط دخترک زنده می‌ماند. او دو سال به تنهایی در یک جزیره پر از حیوانات وحشی زندگی می‌کند و با دوست شدن با طبیعت زندگی‌اش را می‌گذراند. یک روز که دخترک تنها با خودش بازی می‌کرد چشم‌هایش را بست و سه قدم برداشت. آنقدر همه جا ساکت بود که صدای قلبش را می‌شنید. با برداشتن سومین قدم و باز کردن چشم‌هایش صحنه‌ای را دید که اصلاً قابل باور نبود. او دوستش را دید که دو سال پیش خودش با همان دستان کوچکش او را خاک کرده بود! و دهان... دهان نداشت! دخترک آنقدر ترسیده بود که حتی نمی‌توانست جیغ بکشد او بعد از چند ساعتی فرار و ترس و گریه تصمیم گرفت به دوستش اعتماد کند تا به راز همه این اتفاقات پی ببرد. وقتی آن دو قبل از طلوع خورشید باهم به قبرستان رفتند ناگهان یک نفر دختر را هل داد و به زمین انداخت. وقتی دخترک خواست بلند شود پای یک حیوان را جلویش دید، یکدفعه چیزی توی سرش کوبیده شد و ...

طنین عدالت

زینب محقق
مدرسه شهدای بدر
شیراز، فارس



داستان طنین عدالت زندگی دختر افغانستانی را بیان می‌کند که در ایران زندگی می‌کند، او تحصیل را دوست دارد و می‌خواهد وکیل شود اما موانعی بر سر راه او هست که او را از تحصیل باز می‌دارد. مهاجران افغانستانی مقیم ایران خیلی محدودیت دارند از جمله محدودیت‌هایشان کسب مدرک تحصیلی و رسیدن به شغلشان است این دختر با تمام وجود خودش را قربانی حوادثی می‌کند تا حداقل به آرزویش برسد، پدر خانواده وقتی مخالف درس خواندن دخترش باشد دختر خانواده هم مجبور است به حرف پدر گوش کند و از آرزویش بگذرد اما این دختر داستان ما تلاش‌های فراوانی می‌کند که به شغلش برسد و درسش را به اتمام برساند از جمله این تلاش‌ها او می‌خواست ازدواجی را بپذیرد که قبول آن باعث می‌شد دیگر کنار خانواده‌اش نباشد، به خارج از کشور سفر کند چرا که آن پسر مقیم ایران نبود بلکه مقیم سوئد بود. اتفاقاتی می‌افتد که امیدش را تضعیف می‌کند ولی دوباره محکم می‌ایستد این بار فکر می‌کند اگر خارج برود می‌تواند به شغلش برسد و اگر نتواند حداقل می‌تواند با امید قدم بردارد و با کسب مدرک تحصیلی اش به افغانستان بازگردد، اما حیف که مهدی آن پسری که قرار بود با او ازدواج کند طی سانه ای در سوئد شهید می‌شود، اوزمانی که با مهدی آشنا شده بود پیش دانشگاهی بود و بعد از امتحان ترم، نه کنکور شرکت کرده بود و نه می‌خواست آمادگی برای دانشگاه رفتن کند و فقط امیدش به مهدی بود درسش را رها کرده بود و به فکر خیالات خود بود، حال نه مهدی هست که بتواند او را از این ناامیدی خارج کند کسی که به او امید، به تحصیلی دوباره دهد، باید خودش تلاش می‌کرد تا خود را از این بهیوه نجات دهد، باید فکر اساسی می‌کرد چون این راه بستگی به همت و تلاش او داشت او گرچه از دوستانش عقب مانده ولی نهایت تلاشش را می‌کند تا به هدفش برسد حتی با تمام محدودیت‌هایی که برای مهاجران هست قدم‌هایش را استوار تر می‌کند، در این راه خیلی‌ها او را به تمسخر می‌گیرند حتی پدرش به او می‌گوید کدام افغانستانی در ایران درس خواند و کشور را آباد ساخت؟، کدام افغان با مدرک تحصیلی اش وضعیت افغانستان را بهبود بخشید؟ اما این دختر به همه آن‌ها قول داده است که روزی او را در افغانستان خواهیم دید که وکالت قبول شده و برای امنیت و دفاع از حقوق مردم کشورش تمام تلاشش را می‌کند او نمی‌خواهد ببیند که در کشورش حقوق انسان‌ها پایمال می‌شود از کودکان کار گرفته تا زنانی که رنگ خوشبختی را در این دنیا ندیده‌اند

انجمن

هیوا محمد رفیعی نژاد
مدرسه مختارنامه
شیراز، فارس



آن چند روز باقی مانده به دوشنبه‌ی پیشرو مانند باد سپری شد؛ و روز موعود فرا رسید. در بین بچه‌ها هرکس چیزی می‌گفت و هیچکس درست نمی‌دانست که ماجرا از چه قرار است. همه‌ی ما با نگاه به یکدیگر و مزه کردن خوراکی‌هایمان منتظر شنیدن یک کلمه حرف بودیم تا بدانیم وقت گریه است یا خنده. بالاخره بعد از چند دقیقه همه‌ی یک نفر با لبخندی بر لب شروع به صحبت کرد؛ با اینکه لحن او گرم و خنده دار بود اما کلماتش بوی گریه می‌دادند. بعد از ترک کردن اتاق، در خیال، به اینکه همه چیز ختم بخیر شد تکیه کردیم؛ غافل از اینکه این تازه «ب» بسم الله بود. ما وارد یک ماجرای خیلی بزرگ شده بودیم، ماجرای که می‌توانست به یک خاطره‌ی زودگذر یا ماندگار تبدیل شود. بد از گذشت یک ماه، همچنان اجازه نمی‌دادم که خاطرات و تجربه‌های تلخ و شیرین و با ارزش لابه‌لای استرس ناشی از بی‌خبری و فشار مدرسه کم رنگ شود. اما دو ماه دیگر هم به همین روال گذشت... بخاطر اتفاقات اخیر سخت سرخورده شدم؛ چون برای من مایه‌ی عذاب بود که مادرم این همه برایم زحمت کشیده و من نتوانستم جبران کنم. هرچند که تمام کارهایم از روی رضا، با لبخند، از ته دل و بی‌منت بود. اما من شرمسار بودم که نتوانستم آن قدر خوب باشم که توانایی‌هایم به دیگران ثابت شود. درست اواخر دی ماه، در روزهای پایانی امتحانات نفس گیر نوبت اول، یک شب که مثل همیشه همه در خانه دور هم جمع بودیم، ک شماره‌ی ناشناس با مادرم تماس گرفت...

اگر می گفتم ...



زهرا محمدی
مدرسه صاحب الزمان (عج)
شیراز، فارس

روزی روزگاری توی شهری از شهرهای زیبای ایران زمین، دختری زندگی می کرد که روزگار چندان باهاش مهربون نبود. داستان ما درباره ی یه دختر هجده ساله است، به نام مریم عباسی. دختر داستان ما به خاطر شغل باباش از شیراز به اهواز اومده و تصمیم گرفته با روزگار دست و پنجه نرم کنه، به نظرش اهواز جای باصفائیه و خیلی محله ی جدیدشون رو دوست داره! اما این شهر و این محله باصفا بهش وفا نمی کنه و میشه شروع تموم بدبختیاش، بدبختی هایی که تمومی نداره و تا آخر عمر باهاشه. سرنوشتی که هیچ وقت حتی یک لحظه هم بهش فکر نمی کرد، به راحتی براش اتفاق میوفته. یک روز که دختر داستان ما توی اتاق حاضر میشه که موضوع چنگیز رو به مامان و باباش بگه، متوجه میشه اتفاقی افتاده که خانواده اش باید برن شیراز و چون درست قبل از کنکور بوده، با اصرار تو خونه میمونه و با پدر و مادرش به شیراز نمی ره. درست از همین جاست که تموم دردسرهاش شروع میشه. نقطه ای از زندگیش که هر وقت بهش نگاه می کنه، خودشو لعنت می کنه که چرا کنکور رو به شیراز رفتن ترجیح داده. مریم همیشه خودشو به خاطر حماقت های پی در پی سرزنش می کنه. همیشه توی هر لحظه با خودش میگه اگر به شیراز می رفتم... اگر به مامان می گفتم... اگر با چنگیز درگیر نمی شدم... و هزاران اگرهای دیگه که شده کابوس هرشبش. وقتی به این فکر می کنه که چه آرزوهایی داشته و همشون رو بر باد داده، دلش می خواد که هیچ وقت به دنیا نمیومد. شاید این اتفاق ها به خاطر وجودش رخ نمی داد. خلاصه روزگار با همه راه اومد ولی واسه مریم خانم داستان ما سوار ماشین شد و گازش رو گرفت و رفت. مریم توی تک تک لحظات عمرش جنگید برای رهایی از این همه دردسر، دردسرهایی که با گفتن یک جمله می تونستن دیگه وجود نداشته باشن. دختر جوون داستان با مشکلات تلخش، مثل درگیری با آقا چنگیز، نگفتن واقعیت به مامانش، کنار اومد و بعد از مدتی مشکلات، از دختر جوون کوهی ساخت که هیچ چیز نمی تونست کنارش بزنه ...

ترس خفته

ملیکا ملک زرقانی
مدرسه مختارنامه
شیراز، فارس



داستان ترس خفته در ژانر ترسناک نوشته شده و در رابطه با دختری به نام آرزو است که ترسی ناشناخته زندگی او را درگیر کرده است و این ترس او را تا حد مرگ می کشاند. این دختر با وجود فراز و نشیب های زندگی بر ترس خود غلبه و موفقیت هایی را کسب می کند و در این راه اتفاقات زیادی را پشت سر می گذارد. داستان از زمان دانش آموزی تا بعد از ازدواج وی را دربر می گیرد. در واقع داستان در ایران شروع و در آلمان به اتمام می رسد. این قصه به ما نشان می دهد که چگونه می توان بر ترس ها غلبه کرد. در واقع نویسنده قصد داشته است نشان دهد که زندگی سراسر سختی ها و مشکلات است؛ اما می توانیم تمامی این ها را پشت سر بگذاریم و سرانجام پیروز میدان ذهن خود باشیم و هیچگاه برای موفق شدن دیر نیست. بنابراین اگر علاقه به خواندن داستانی پر فراز و نشیب دارید، توصیه می کنم این داستان را از دست ندهید. قسمتی از داستان را می خوانیم: من با سختی ها و مشکلات می جنگم و با ترس هام کنار میام. موفقیت را به دست می آورم با اینکه موفقیت کلید شادی نیست بلکه شادی کلید موفقیت است؛ اگر آنچه انجام می دهی را دوست بداری، مطمئن باش موفق خواهی بود. حتی اگر هزاران بار ببازم باز هم بلند می شوم و ادامه راهم را می سازم و لحظه ای از این موضوع ناراحت نمی شوم. گیرم که می بازم!! اما کسی جرئت ندارد به من دست بزند یا از صفحه ی شطرنج زندگی بیرونم بیندازد. شوخی که نیست، من شاه شطرنج! تخریب می کنم آنچه را که نمی توانم باب میلم بسازم. آرزو طلب نمی کنم اما آرزو می سازم. لزومی ندارد من همانی باشم که تو فکر می کنی، من همانی ام که حتی فکرش را هم نمی توانی بکنی. زانو نمی زنم، حتی اگر سقف آسمان، کوتاه تر از قد من باشد! زانو نمی زنم، حتی اگر تمام مردم دنیا روی زانوهایشان راه بروند! من زانو نمی زنم....

یک لحظه برابر با یک عمر

رضا موحدپور
مدرسه فرهنگیان
استهبان، فارس



این داستان به سبک درام نوشته شده و به بعضی از عواقب ویژگی های سنین نوجوانی یعنی هیجان طلبی و پرخاشگری پرداخته است. داستان از آنجایی شروع می شود که پسری نوجوان در جمع دوستانش قرار می گیرد و دوستانش او را تحریک به موتور سواری می کنند. در صورتی که خانواده اش نسبت به این کار بسیار حساس هستند و او را از انجام این کار منع کرده اند. پسر هم که قبلاً تجربه این کار را داشته است قبول می کند اما می ترسد که یکی از اعضای خانواده او را ببیند ولی دوستانش او را متقاعد می کنند که سوار موتور شود. پسر داستان ما که صالح نام دارد سوار موتور می شود و بعد از مدتی، جنون سرعت باعث می شود که همه چیز را فراموش کند و از خود بیخود شود و با سرعت زیاد با یکی از همکلاسی هایش که روز قبل با او برخورد فیزیکی و لفظی داشته تصادف می کند و باعث مرگ همکلاسی اش می شود. دادگاه او را به جرم قتل غیر عمد متهم می کند. خانواده مقتول بر این باورند که این تصادف قتل عمد بوده و اصرار به قصاص دارند و با تحقیقاتی که وکیل آن ها انجام می دهد دادگاه متقاعد می شود که صالح پسری پرخاشگر بوده و در این تصادف انگیزه انتقام جویی وجود داشته است. رای دادگاه به قتل عمد تغییر می کند و صالح به اعدام توسط چوبه ی دار محکوم می شود. صالح امید داشت که یک روز همه به حقیقت پی خواهند برد و در حکم او تجدید نظر می شود و از این زندان و سرنوشت تلخ رهایی می یابد ولی آن زمان که حکم اعدامش به دستش می رسد از همه دنیا نا امید شده و تصمیم به خودکشی می گیرد...

مادرانه، پدرانه

سیده فاطمه یوسفی
مدرسه فرهنگیان
فیروزآباد، فارس



از آزمایشگاه بیرون آمدم. خدای من! باورم نمی‌شد. یک کودک بندانگشتی درونم در حال رشد کردن است. کودکی که هنوز ضربان قلبش را هم حس نمی‌کنم. از خوشحالی نمی‌دانستم چه کار کنم. در حال برگشتن برای نشستن بودم. با ذوق به چشمان سکینه خیره شدم. از جایش بلند شد و یواش کنار گوشم گفت: ((تو هم بارداری؟)) جلوی دهانم را گرفتم و با خنده‌ای کوتاه گفتم: ((اینجور که دکتر میگه؛ آره.)) دستام رو آرام فشار داد. کنار گوشم زمزمه کرد: ((منم آره!)) قند توی دلمان آب شد. بیرون رفتیم و تاکسی گرفتیم. به سکینه نگاه کردم و با اشاره به شکمش گفتم: ((خانم! اول می‌خوای به کی بگی نی‌نی داری؟))... از اینجا شروع شد، رویاهای ما، و زندگی‌ای که داشت کم‌کم به ما لبخند می‌زد. من، ماه بانو، با حمید، مرد زندگی‌م، داشتیم قصرمون رو می‌ساختیم؛ با پایه‌هایی استوار از جنس اعتماد و تکه‌هایی زیبا از جنس محبت. و دوستانی که کنارمون بودند. همگی با هم، دنیای خودمون رو می‌ساختیم. دنیایی خارج از جهان بیرون، خارج از شک، خارج از بدی، خارج از ناراحتی... دنیای ما پر از محبت بود؛ پر از زیبایی، پر از شادی. و داشت رونق می‌گرفت. شکوفه! درست مثل یک شکوفه‌ی نرم و نازک و رنگین و زیبا. دنیایی که قرار بود زیباتر هم بشه. ولی چطور؟ درسته، نزدیک بود یه فرشته به زندگی ما بیاد. من قرار بود مادر بشم و هیچکس نمی‌دونست. حمید که قرار بود این خبر رو بهش بدم. باید چطور بهش می‌گفتم؟ زندگی ما، آینده ما، چطور...

تجربه ای متفاوت

محمد حسین یوسفی
مدرسه شهید صالحی
شیراز، فارس



سلام. من یک نوجوان هستم. از آن دست نوجوان‌هایی که تعدادشان هم کم نیست و به دختر رویاهایشان فکر می‌کنند. قرار است من و برادرم چند روزی به خانه حوصله سربر پدر بزرگ و مادر بزرگمان برویم. سوار ماشین شدیم و به خانه‌ی آپارتمانی پدر بزرگ و مادر بزرگمان رسیدیم. تا از ماشین پیاده شدم دختری را در حیاط پشتی خانه دیدم که بسکتبال بازی می‌کرد. تصمیم گرفتم که بروم و با او صحبت کنم پس به سرعت بالا رفتم و وسایلم را گذاشتم و پایین آمدم. سر و وضعم را درست کردم، نزدیک رفتم و گفتم: سلام ...

ما از آینه ها می ترسیم

سارا آگاه
مدرسه رقیه بدیعی
لامرد، فارس



ای اندیشه ی پاک حقایق
و رسالت آشکار زمین،
کجایی که مارا آنسوی دروازه اش راه نمی دهند؟
ما از آینه ها می ترسیم؛
و شناسنامه ها؛
و پیرمرد ها و گریه هایی که مارا در مسیر خانه می
بینند.
بچه ها از مهدکودک ها فرار می کنند و معلم ها
کتاب و دفتر کلاسی ها را مثل آمیدشان،
هر روز کنار جاکفشی رها میکنند.
می اندیشند
که چگونه چای های نخورده در سرمای دی ماه
قدم های نگذاشته در خیابان کتابخانه
و دفتر مشق های خط خطی را برای این حجم های
کوچک عبوس تفسیر کنند.
چگونه با تمام لباس های تازه ای که نپوشیده اند
و نقاشی هایی که نکشیده اند
و شعرهایی که ننوشته اند
از لذت و اشتیاق بگویند.
و سرِ کوچه های ما،
پر از آدم های بیست که سالهاست به پیرمرد ها
-اگر زنده باشند-
و گریه ها
-اگر واقعی باشند-
لبخند می زنند
و کنار آینه های شکسته
و شناسنامه های تکه پاره،
برای ایمانی که منتظر آمدنش هستند دست تکان
می دهند.

پشت این پنجره ها

سیما شجاعی
مدرسه ام کلثوم
لامرد، فارس



به همان سرخی لبخند نگاهت از دور ...
پشت این پنجره ها عشق نهان است ...
ببین
لابه لای عرق شرم شقایق رویان
آن طرف، پشت همان پیردرخت مهربان
که هزاران سال است
دست بر شانهای تنهایی هر عاشق دلخسته
نهاده
و هنوز
در میان تپه های انتظار ...
عشق قایم شده است
پشت این پنجره ها زندگانی پیداست ...
و تو باز می گویی
که نمی بینم هیچ !؟

پشت این پنجره ها زندگانی پیداست ...
و تو باز می گویی
که نمی بینم هیچ !؟
باز کن چشم دلت را که نسیم
سر به آینه ی قلبت بزند
باز کن پنجره ها را که خدا در همین
نزدیکی ست ...
پشت هر خنده ی کمرنگ پرستوی امید
که در آنسوی خیال چشمهات
می کشد پر به افق های نهانی که در آن
تا که می بیند چشم ،
زندگی باشد و یک ماهی زیبای سفید
اندکی آن سوتر
زیر آن صخره ی مغرور سیاه
لاله های سرخ رنگ

دل

محمد محسن سقط کار
مدرسه پرهیزگار
شیراز، فارس



در سکوت من،	ولی بی مهتاب.
ولی این دل صدایت می کند.	چشم‌ها باز،
در غرور من،	ولی دل در خواب.
ولی این دل هوایت می کند.	دل چه داری در خود؟
بسته ام من،	که چنین عقل و ادب را به خودت خیره کنی.
هر دو چشمم را به سیمای جهان،	در دلت چیست مگر؟
لیک چشمان دلم هر دم نگاهت می کند.	گاه شب روشن و گاه،
در پی علت، چرا اینگونه ام؟	روز را تیره کنی.
علت اشکم تویی دردم تویی.	وای از دل که اگر قصد کند،
بحر درد خویش، درمانم تویی.	زندگی ات بر باد و
دقتی در زندگانی کافیت.	و اگر صبر کند
که اگر نیست مرا چشمانت،	ویرانت آباد است.
زندگی همچو خودش بی معناست.	دل پر از هرچیز است.
سرزمین دل من	دل پر از حال بد و خوبی هاست.
بی تو کم و بی بهناست.	پر ز افکار پر از احساس است.
گر نباشی	این دل است،
آسمان پر ز ستاره است،	زندگی را گاه زین رو هم به آن رو می کشد.

کوچ پرستو

نجمه کنعانی
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



چون پرستو کوچ کرد از لانه‌اش	پر کشید از کنج ماتم خانه‌اش
با دل پر رو به سوی چاه کرد	چاه را از درد خود آگاه کرد
گوشه‌ای از غصه‌ها را باز گفت	این چنین با همدم خود راز گفت:»
داغدار و بی‌کس و بی‌یاورم	بعد یارم از تو من تنهاترم
آرزوهایم به یک شب شد تباه	بعد آن شب روزگارم شد سیاه
حمله یک دیو اهریمن سرشت	خانه حوریه، آن باغ بهشت
گرد باد و دست سنگین خزان	یاس، پرپر، پیش روی باغبان
تیرگی ابرها و نور ماه	ابر تیره بر مه من بست راه
رعد و برق ابر بود و باغ من	خنده می‌زد دشمنم بر داغ من
هاله شب روی ماهم را گرفت	همسرم را نه، پناهم را گرفت
با غلاف تیغ از او بشکست پر	او کمان شد تا مرا باشد سپر
با نفس‌هایش، نفس‌هایم برید	مرغ عشقم از قفس آخر پرید «
عاقبت زهرا جدا شد از علی	شیعه مانده با غم بی‌مادری

فال چشمانت

مهسا نظری
مدرسه ستارگان
شیراز، فارس



در حال و هوای پاییز،
دلَم عاشقی می خواهد!
یک قرار در کافه‌ی آغوش تو
و شاخه گلی در دستان من
برایمان قهوه بیاورند و من در چشمان تو فال دیوانگی بگیرم!
باران هم اشک شوق بریزد.
چه ساده، چه دلفریب،
عطر تو، در حال عجیب دل من.
خلوت عقربه ها را به هم می ریزم!
دفتر عشق را ورق می زنم!
دلَم عاشقی می خواهد!



فاطمه آزاد
مدرسه خدیجه کبری
لامرد، فارس

دو زلفونت پیش خرمای لامرد
وجودت گرم، چون گرمای لامرد
به سرو قامت نازت بنازم
بلندایش گه بالای لامرد
من از چشمان معصوم تو جستم
همه زیبایی و ژرفای لامرد
تو را می‌خواهم از جان و دل ای دوست
که باشی مامن و مأوای لامرد
لبان شیشه مانند تو باشد
همانند خرک رنگای لامرد
تمام خاطرات سبزه ای یار
به دل مانده چو کاکل های لامرد

عرفان آبلوچ
مدرسه امام رضا(ع)
شیراز، فارس



عشق در چشمان تو معنا شود
عشق در مژگان تو معنا شود
حرف اضافی نگویم و سلام
مطمعناً تو خودت معنای عشقی و تمام

خسته از عمر نباشم تا تو باشی به کنارم
خاطرات یادگاریست که بماند تا بمانم
بی خبر رفتی برو؛ دست خدا میسپارمت
با تمام ظلمت باز هم تو را می بخشمت

فاطمه پاکدل
مدرسه رقیه بدیعی
لامرد، فارس



کلاغ گفت:

درختی بلند و سفیدپوش آرزوی من است

اما مردم می گویند:

(جایی برای لکه‌ای سیاه و ننگ نیست)

بهار در راه است

و من در لانه می خوابم

تا در زمستان نیست شوم

و بهار را کنار کاج پرواز کنم

مریم عیدالهی
مدرسه فدک
لامرد، فارس



دست تو و موی من و باران بوسه‌ها
مثل عروسی آبی‌ام در چنگ کوسه‌ها

دستان عاشق شرم را گویی دریده بود
از باغ ما هر ثانیه یک غنچه می‌ربود

شیرین و شیرینی سراسر بود کام من
آب حیات و نور روشن بود جام من

نقطه سر خط باز هم آغاز داستان
دست تو و موی من و لب‌های بی‌امان

دل دل دل و صاحب‌دل و بیداد و دلبری
دل برده‌ای آورده‌ای و باز می‌بری

فاطمه کریمی
مدرسه ستارگان
شیراز، فارس



حافظ

حافظ که زسرنوشت آگاهی یافت
گویا ز خدا برای خود راهی یافت
دیوانه عالم است و درگیر خدا
آری ز جهان برای خود شاهی یافت

سعدی

سعدی که عمیق، زندگی را ببند
گویا که همیشه ویژگی را ببند
در پی حقیقت است و فردی عاقل
آری ز خدا یگانگی را ببند

فروغ فرخزاد

او بود فروغ و از جهان غم دیده
انگار که مانند خودش کم دیده
دنیا که بدیده شادی و دردش را
هرکاغذ شعر او کمی نم دیده

خیام

خیام که مهد علم و آگاهی بود
دنبال جهان تازه و واهی بود
انگار به دنبال نگاهی دیگر
گویا که به سوی آن جهان راهی بود

پروین اعتصامی

پروین که همیشه در پی رویا بود
اشعارش چون قشنگی دریا بود
هر روزه امید آمیدی تازه
آری که تمام ذوق او دنیا بود

مولوی

او مولوی و همیشه هم راضی بود
درگیر جهانیان و یک بازی بود
هر روز به دنیا و جهان می نگرست
عاشق صدای تازه سازی بود

نظامی

اشعار نظامی که چو پرگار بود
در برابر بدی چو دیوار بود
هرجای بچرخد همه آگاه کند
تا که گفتار او به ماندگار بود

اوینا یزدان پناه
مدرسه علوم پزشکی
شیراز، فارس



معرفی کتاب:

هر سه‌شنبه قصه‌ی جدید، هر سه‌شنبه کلیدی جدید که قفل‌های توی ذهنمونو باز می‌کنه. میچ که بعد سال‌ها به طور اتفاقی استاد دوران دانشگاهش رو پیدا می‌کنه هر سه‌شنبه با اون کلاس درس جدیدی رو شروع می‌کنه اما ایندفعه درس این کلاس حول هیچ کدوم از درسایی که تو مدرسه و دانشگاه می‌خونیم نیست این سه‌شنبه‌ها زندگی رو یاد میدن

معرفی نویسنده:

محمد رضا ال ابراهیم

پژوهشگر و نویسنده در سال ۱۳۳۰ در شهرستان استهبان در استان فارس به دنیا آمد پژوهش‌های وی در زمینه‌ی فرهنگ، ادبیات و تاریخ شهرستان استهبان در قالب ۵۰ جلد کتاب به انتشار رسیده است. سال ۱۳۵۷ شروع به نویسندگی کرده و تا کنون ادامه داشته است. همسر ایشان فاطمه خراشادی زاده نام داشته و دارای سه فرزند، دو دختر و یک پسر هستند. از آثار ایشان می‌توان به «داستان‌های سته بان»، «شورش» و «شهید رابع» اشاره کرد

ترویج کتاب خوانی:

- اهدای کتاب به کتابخانه‌ی مدرسه
- هدیه دادن کتاب به مردم عادی و درخواست از آنها که همین کتاب را به شخص غریبه‌ی دیگری هدیه دهند

آتنا علیایی
مدرسه ستارگان
شیراز، فارس



معرفی کتاب:

فکر کنید الان سال ۱۹۴۸ هست شما در یک دبیرستان قرار دارید که با قوانین سختی که دارد باعث شده همه در یک مسیر حرکت کنند و همه در یک زنجیره اصلی قرار بگیرند و اگر کسی بخواهد شاخه ای به این زنجیره ای اصلی اضافه کند با مانع خیلی محکمی رو به رو می شود، همه ی ما آرزو هایی داریم آرزوهای کوچک و بزرگ یکی آرزو هاش خیلی با سطح انتظار بقیه فرق دارد و نیاز دارد به کسی که مته خودش بوده اما شجاعت این را داشته است که راهش را تغییر بدهد، همین الان تو، اره خود تو! فقط به یک راهنما نیاز داری می تواند معلم کتاب ما باشد می تواند خودت باشی میتونه یه برنامه باشه که دید تو را عوض کند یه برنامه مثل انجمن شاعران مرده (همفکری بچه ها)

معرفی نویسنده:

شما هم مثل من علاقه دارید دنبال چیزای شایسته بگردید؟ پس با من باشید چون یک شایسته براتون آوردم یک شخصیت متین و آرام و بسیار علاقه مند به شعر خانم فاطمه شایسته فرد الان میپرسید ایشون کی هست ایشون شخصی است که با کوشش خود طی ۲سال کتابی به نام چکامه های شایسته آماده کردند که خیلی مورد استفاده ما است میگوید چطوری؟ حالا براتون میگم این کتاب شامل سه بخش که بخش اول شامل شاه بیت ها است که خوراک کسانی است که مشاعره میکنند بخش دوم شامل گلچینی از شاهکار های شعر سنتی است و بخش سوم شامل گزیده ای از شعر های نو است و واسه هر سبک و سلیقه یی خوبه و شما را از شعر های قدیمی تا نو همراهی میکند امید وارم شما هم مثل من این کتاب شایسته (برگزیده) را بپسندید .

ترویج کتاب:

- نماینده و مسئول کتابخانه مدرسه
- قرار دادن کتاب های یک صفحه ای در راه روی علم
- نوشتن جملات انگیزشی در مورد کتاب بر روی تابلو های مدرسه
- تایم اول کلاس برای مطالعه یک دقیقه ای که با توجه به داستان های یک صفحه ای که آماده کردیم خدمت دبیر و دانش آموزان می دهیم
- برگزاری مسابقه کتابخوانی بین دانش آموزان و قائل شدن امتیاز
- چاپ کردن تیکه های جذاب از کتابها و آماده کردن پوسترهایی و پخش کردن آنها بین مردم
- قرار دادن پوسترها بر روی ماشین افراد

آریتا مقدم
مدرسه ستارگان
شیراز، فارس



معرفی کتاب:

نویسنده ملت عشق، الیف شافاک نویسنده ترک است. ملت عشق کتابی است که دو داستان در زمان‌های مختلف را روایت می‌کند. یکی داستان اللا روبینشتاین در سال ۲۰۰۸ میلادی و دیگری داستانی در دل داستان الالاست، داستان شمس و مولانا در قرن هفتم قمری؛ داستانی که در آن با چهل قانون شمس تبریزی آشنا می‌شویم.

"قاعده اول: کلماتی که برای توصیف پروردگار به کار می‌بریم، همچون آینه‌ای است که خود را در آن می‌بینیم. هنگامی که نام خدا را می‌شنوی ابتدا اگر موجودی ترسناک و شرم آور به ذهنت بیاید، به این معناست که تو نیز بیشتر مواقع در ترس و شرم به سر می‌بری. اما اگر هنگامی که نام خدا را می‌شنوی ابتدا عشق و لطف و مهربانی به یادت بیاید، به این معناست که این صفات در وجود تو نیز فراوان است." (ملت عشق-الیف شافاک-صفحه ۵۴)

معرفی شاعر:

احمد فریدمند شاعر کتاب‌هایی چون عاشقانه و درد، از عشق چراغی بی‌غروب و... است. کتاب عاشقانه‌ها و درد که اولین کتاب احمد فریدمند است در سال ۵۴ به وسیله‌ی انتشارات چکیده تایپ و برای مجوز به اداره‌ی نگارش وابسته به وزارت فرهنگ و هنر فرستاده شد، بعد از مدتی، انتشارات چکیده نسخه‌ی سانسور شده‌ی آن را به نشانی بهبهان برای آقای فریدمند فرستاد و از او خواست پاره‌ای شعرها را حذف، و بخشی را با اعمال نظر اداره‌ی نگارش تعدیل و واژه‌هایی مثل جنگل، خون، یاغی و... را حذف کند. آقای فریدمند تعدادی از واژه‌هایی که باید تغییر می‌دادند را تغییر ندادند، کتاب که چاپ شد به خاطر همان چند واژه توقیف و معطل ماند تا آبان ۱۳۵۷ که انقلاب شد و آن اداره و نظام از هم پاشید. قطعاً در آن وضعیت اوایل انقلاب پیگیری این موضوع سخت بود ولی در سال ۱۳۵۸ احمد شاملو در کتاب جمعه کوتاه آن را معرفی کرد.

ترویج کتاب:

- استفاده از کتاب‌های یک صفحه‌ای در مدرسه
- استفاده از متن کتاب‌ها در فضای مجازی
- خواندن کتاب برای کودکان
- هدیه دادن کتاب

رقیه چام
مدرسه آفرینش
فیروزآباد، فارس



معرفی کتاب:

مدت ها پیش کتابی رو خوندم که اونقدر ذهنم رو درگیر کرده بود که خودم رو خارج از اینجا و جایی میون همون شخصیت ها تصور میکردم. میون ۵۳ ورق که ۵۲ تا از اون ها در ۴ گروه تقسیم میشن و جوکری که از جذاب ترین شخصیت هاست. کتاب راز فال ورق که شامل دو داستانه که بصورت موازی جلو میرن و هر کدوم به تنهایی دارای اتفاقاتی ان که اونقدر خواننده رو در خودشون غرق میکنن که دوست داری هرچه زودتر اتفاقات بعد رو بفهمی. کتابی درباره سفر هانس توماس و پدرش که به دنبال مادر هانس توماس در طول اروپا سفر میکنن و سفر بیکرهانس که همراه با ۵۳ ورق در جزیره ای تنها بوده و به آنها شخصیت داده. این کتاب توسط یوستین گردر که معلم فلسفه بوده نوشته شده و موضوعش هم فلسفه است که به زبان ساده بیان شده. قسمت هایی از این کتاب: (پدر پرسید: در مدرسه به شما چی یاد میدهند هانس توماس؟ جواب دادم: ساکت نشستن. و این کار آنقدر مشکل است که برای یاد گرفتن آن سال ها وقت صرف می کنیم.) (او عقیده داشت هر چه زن زیبا تر باشد، در پیدا کردن خودش با مشکلات بیشتری روبه رو خواهد شد.)

معرفی نویسنده:

کتاب فیروزآباد در گذر زمان که درباره موضوعات سیاسی و اجتماعی شهر فیروزآباد است، توسط استاد خلیل حقیقی خلق شده است. استاد خلیلی حقیقی به دلیل علاقه ای که به شهرشون دارن و نشون دادن گوشه ای از فرهنگ این شهر و همچنین برای اشنایی نسل جدید با پیشینه شهرستان و نقش این شهر در دوران دفاع مقدس، با تلاشی بی وقفه در حال گردآوری منابعی برای چاپ کتاب (فیروزآباد شناخت) هستند.

ترویج کتاب:

- طرح همخوانی کتاب و نقد آنها
- کتاب های یک صفحه ای در برنامه پویش گرم کتاب
- به اشتراک گذاشتن خلاصه کتاب ها در فضای مجازی
- طرح کتابخانه خودمائی در میان همکلاسی ها

درنا شیبانی
مدرسه الزهرا(س)
شیراز، فارس



معرفی کتاب:

کتاب جنگی که نجاتم داد، نوشته "کیمپرلی پروبیکر بردلی" ست و در این کتاب، به دو نوع جنگ درونی و بیرونی می پردازد و علت بیشتر ناکامی و پیروزی ها را به تربیت و نگاه والدین در دوران کودکی، نسبت می دهد. آدا ماریا اسمیت، دختری یازده ساله، متولد لندن است که زندگی پرفراز و نشیب و احساسی/عاطفی خود و برادرش، جیمز را در سال ۱۹۳۹، جنگ جهانی دوم آلمان به رهبری آدولف هیتلر و تأثیر آن بر زندگی مردم انگلستان، بیان می کند. به دلیل بیماری ارثی که آدا دارد آدا مجبور به زندانی شدن در آپارتمان: و تنها یک پنجره، امید او به دیدن است. زمانی که بخواهد اما جیمی-جیمز-آزاد است که در هر یازی کند و بیرون برود. آدا با مراقبت از جیمی خود را مشغول می کند و مام به او توجهی ندارد. جنگ جهانی، آدا را مجبور میکند که از آن خانه، پنجره و مام دور باشد و به روستایی، برای در امان ماندن از دست مام و هیتلر، فرار را بر قرار ترجیح دهد و به سختی و به همراه برادرش، دور از چشم مام، با داشتن بیماری خود، با سوزان اسمیت، زندگی تازه ای آغاز کند. ...

معرفی نویسنده:

دکتر منوچهر کیانی از تیره بهمن بیگلو طایفه ی عمله قشقای در شهر یور ماه سال ۱۳۱۹ در بحبوحه جنگ جهانی دوم در اوج بحران و ناپسامانی های عشایر در منطقه ی بیبلاقی ایل قشقایی در شهرستان سمیرم استان اصفهان متولد شد. وی در سال ۱۳۴۹ به عنوان دبیر دبیرستان عشایری شیراز برگزیده شد. در سال ۱۳۵۲ به تحصیل ادامه داد لیسانس گرفته، بهد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ مدتی به تدریس ادامه داداو یک دوره طلائی هم تدریس را رها کرده و به نوشتن کتابهای خویش پرداخت. اولین کتاب او "سیه چادرها" در سال ۷۰ نشر شد. ایشان برای ادامه تحصیلات به ترکیه و آذربایجان "باکو" رفته و در رشته گرایش فلسفه اتنوگرافی در آکادمی علوم آذربایجان دکترا را به پایان رساند. وی به علت چاپ کتاب و مقالات علمی-بومی عضو فعال کمیته جهانی ترک شناسی بوده و هستند. از انتشارات وی می توان به کتابها: گرایلی، کوچ یا عشق شقایق و روزهای هشتم هفته اشاره کرد.

ترویج کتاب:

- کشیدن نقاشی و کسب رتبه اول در نظر سنجی اینستاگرام مدارس فصلی
- رفتن به مکان های تاریخی و معرفی کتاب های تاریخی به توریست ها
- توضیح قسمتی از کتاب برای مبهم کردن آن برای کسانی که هنوز کتاب را نخوانده اند تا مشتاق به خواندن آن کتاب شوند
- استفاده از جملات کوتاه و آموزنده کتاب ها در جمع و ذکر منبعجهت علاقمند سازی افراد حاضر برای خواندن کتاب
- درست کردن پاور پوینت
- درست کردن کاریکاتور و کلیپ های کوتاه از کتاب ها
- درست کردن کارت پستال های کوچک
- درست کردن نقاشی و کاردستی سه بعدی از کتاب ها



ریحانه اسماعیلی
مدرسه آل محمد(ص)
شیراز، فارس

معرفی کتاب:

کتاب هنر ظریف رهایی از دغدغه ها :

مهم ترین اصلی که این کتاب به ان اشاره میکند این است که چیزی به نام رهایی از دغدغه ها وجود ندارد ، بالاخره باید دغدغه چیزی را داشته باشید، بخشی از ساختار زیست شناختی ماست که همیشه به چیزی اهمیت بدهیم و دغدغه چیزی را داشته باشیم. اما چیزی که در اینجا حائز اهمیت است این است که دغدغه چه چیزی را داشته باشیم؟چه چیزی را برای دغدغه مندی انتخاب کنیم؟چگونه میتوان دغدغه چیز بی اهمیتی را نداشته باشیم؟ خواسته یا ناخواسته ما همیشه در حال انتخابیم. این کتاب به شما کمک میکند که دغدغه های زندگی خود را به چه مسیری هدایت کنید، یافتن چیزی مهم و معنادار در زندگی شاید بهترین روش برای استفاده از زمان و انرژی باشد چون اگر چیزی مهم و معنادار در زندگی نیابید، دغدغه هایتان به سمت اهداف پوچ و بی معنی می رود

معرفی نویسنده:

بعضیا فکر میکنند اونایی نویسنده ی موفقند که از بچگی می نوشتند یا اینکه نویسندگی نیوغ می خواد. اسم کتاب(اکسون) به گوستون خورده؟ این کتاب مجموعه ای از ۱۹ داستان کوتاه می باشد که اغلب برنده و برگزیده یا تقدیر شده در جشنواره های داستان نویسی مختلف کشور است. موضوع این داستان ها اغلب اجتماعی و معناگرا است. خانم زهرا سلطانی نویسنده شیرازی متولد ۱۳۶۲ است . تحصیلات ایشان در رشته امار می باشد . چند سال گذشته به طور اتفاقی با مدرسه داستان نویسی حیرت آشنا شدند . قصد و زمینه ای برای نوشتن نداشتند ولی (خیلی یهویی) داستان ها یکی یکی اضافه شدند و مورد استقبال قرار گرفتند و اینطوری کتاب اکسون نوشته شد. خوبه بدونید سرکار خانم سلطانی برگزیده نهایی دو دوره از جشنواره سراری داستان خلاقانه سال بوده است. (پیشنهاد خانم سلطانی : هیچوقت واسه نوشتن دیر نیست و هممون میتونیم فقط کافیه زیاد بخونیم و بنویسیم و چقد بهتر میشه اگه کتابخوانی فرهنگ سازی بشه در خانواده ها و در مدارس)

ترویج کتاب:

- خلاصه یک کتاب رو تا حد ممکن جاهای مختلف قرار دادم بعد از یه بازه زمانی مکانی رو در مدرسه اختصاص دادیم تا بچه ها قسمت های مورد علاقه خود از کتاب و همینطور نظراتشونو قرار بدن تا افراد بیشتری مشتاق به خواندن ان شوند
- تزئین کلاس با عکس شاعران و نویسندگان برای شناخت بیشتر مشاهیر ادبی
- اختصاص دادن بخش هایی از بورد کلاس برای دل نوشته نوشته های کوتاه دانش آموزان یا جملات برگزیده کتاب ها
- معرفی کتاب در مدرسه و کلاس
- بحث و تبادل نظر در مورد کتاب های معرفی و پیشنهاد داده شده
- تهیه تعدادی کتاب و تبادل و جایجایی کتاب ها بین دانش آموزان

سارا عباسی
مدرسه فرشتگان
شیراز، فارس



معرفی کتاب:

فغان از جدایی فغان از جدایی

چو نی نالدم استخوان از جدایی

دویدن در بیابان عشق او را از پای نینداخت. سایه ی خفقان آلود اما سدی شد سر راهشان و چه خوب میشد ساختن یک پل بر روی آن. و چه خوب می شد که معمای راز آلود تبدیل به معمای راز آلود نمی شد تاخاطرات کنار رود یا رود روانه نا کجا آباد نمی شد. و چه خوب می شد اگر اینطور نمی شد اگر آن چشم ها از آن او نمی شد. اگر رازی پشت آن چشم ها شکنجه نمی شد. چه خوب می شد که استاد چون فتنوسی از خواب همیشگی اش برای همیشه بیدار میشد و راز آن هزار توی بی سر و ته را مشخص می کرد. آیا صدای فلوت تازه بیدار شده از این همه راز پرده گشایی می کند یا نه؟ داستانی با خلاصه ای بی خلاصه و ناتمام که تک تک حرف هایش راز هایی پیچیده در دل می پروراند.

معرفی نویسنده:

خالقم می آفرینم آن را. آن که با اونیست دندان و لیبی لیک میگوید سخن با دیگران بی هدف ره می برد در قلب ما، عاشقی را می کنم بر لوح دل می نویسم بر در و دیوار آن: جنگ جنگ مدیونتم تا به ابد می کنم هر کار بلکه تا آگه شوند چیستی تو چیستی تو چیستی پس همان موقع به بالا آستین ها را زدم می نوشتم می نوشتم تا که همراهم شوند در دل پستی بلندی های جاده ای که رفت آمبولانس شتری. یا چه آمد بر سر خمپاره های نقلی یا چرا خمپاره خواب آلود ماند یا که آخر گردان بلدرچین چه شد این همه پرسش که از ذهنم گذشت پاسخش آنجاست آنجا پیش او ... او کسی نیست جز: نویسنده اکبر صحرایی.

ترویج کتاب:

- طرح یک دقیق را با من بگذران
- ایجاد گروه واتس آپی
- گرفتن عکس با کتاب
- نوشتن خلاصه ی کتابی که خوانده اند
- برگزاری مسابقه در حوزه های مختلف مرتبط با کتاب
- تبدیل خاطرات به داستان
- هدیه های کوچک برای دعوت به کتاب خوانی (گلدان های گنج دار)
- رفتن به مهدکودک خواندن کتاب
- درست کردن یک قصه
- کشیدن نقاشی مرتبط با قصه
- ایجاد نمایش یا عروسک های انگشتی

زهرا زارع دهقانانی
مدرسه ستارگان
شیراز، فارس



معرفی کتاب:

پنج نفر در بهشت منتظر شما هستند، از جمله کتاب های جذاب و تأثیر گذاری بود که من در این مدت خواندم . میچ البوم نویسنده امریکایی با نوشتن این کتاب موضوعات مختلفی را در قالب یک رمان به ما ارائه کرده است . رمان درباره ی مردی است به نام ادی، او زندگی خود را از کودکی تا بزرگسالی در یک شهربازی گذرانده است و اما در این میان زندگی او همانند زندگی انسان های دیگر پستی و بلندی های زیادی داشته است . ما در این کتاب داستان زندگی ادی را می خوانیم تا جایی که در سن ۸۳ سالگی جان خود را در شهربازی که در آن کار می کرد، برای نجات دخترکی از دست می دهد. اما داستان، پس از این همه هیجان ها تازه از انجایی جذاب تر می شود که ادی چشم خود را در بهشتی متفاوت از آنچه که منتظرش بود، باز می کند و در این میان، ادی به دنبال این است که ببیند آیا مرگش توانسته دخترک را نجات دهد؟! اما ادی ابتدا باید با پنج نفری که در بهشت منتظرش هستند ملاقات کند. این پنج نفر چه کسانی هستند !؟

معرفی نویسنده:

سرکار خانم فاطمه شایسته فرد، نویسنده شیرازی هستند که مجموعه اشعار شاعران مختلف از گذشته تا معاصر را در کتابی به نام چکامه های شایسته گرد اوری کردند . خانم شایسته علاوه بر اینکه معلم زبان انگلیسی هستند اما علاقه بسیار زیادی به شعر و شعر خوانی دارند ، به گونه ای که حتی خودشان چندین بار در برنامه های مختلف مشاعره شرکت کرده و دارای مقام هستند . کتاب ایشان شامل چهار بخش است و ۳۱۶ صفحه دارد که حدود دو سال نوشتن آن طول کشیده است اما شعر ها را در حدود پنج سال قبل از نوشتن کتاب جمع اوری میکردند . ایشان انگیزه خود را از نوشتن این کتاب سوق دادن نسل جوان به سمت شعرخوانی و شاعران بسیار بزرگوار ایرانی می داند . این کتاب در اردیبهشت سال ۹۶ به چاپ اول خود رسیده است .

ترویج کتاب:

- برگزاری مسابقه کتابخوانی
- ارائه خلاصه کتابها به مردم در خیابان
- مجهز و فعال کردن کتابخانه مدرسه
- اجرای ایده نوشتن جملات زیبا کتاب ها بر دیوار مدرسه توسط دانش آموزان
- بخش کردن خلاصه کتابها بر روی ماشین افراد
- بخش کردن کتاب های یک صفحه ای در کلاس درس و خواندن آن ها در میان دانش آموزان



ستایش قادری
مدرسه شیخ سعدی
خنج، فارس

معرفی کتاب:

کتاب درون اب به نویسندگی پائولا هاوکینز به مترجمی مهرآیین اخوت، در رودخانه بکفورد جای است به نام ایگیر غرق نل ابوت مشغول نوشتن کتابی بود درباره ایگیر و کسانی که خود را در آن کشته اند. حالادختر نل لینای ۱۵ ساله و تنها مجبور است تحت کنترل خاله اش که هرگز ندیده بود زنی وحشت زده با رفتارهای عجیب بود، ساکنان شهر نسبت به این موضوع بی توجه هستند. همه آنها دلیل کار این افراد را که خودشان را به دست ایگیر می سپردن خودکشی می دانستند، تنها برای یک نفر داستان های ادم های قربانی اب مهم بود، آن نل ابوت که خود به طرز عجیبی قربانی ایگیر شده بود. ساکنان آنجا هر روز آبی را می نوشیدند که آلوده به خون و جسد زنایی بدخت است کتاب با عرق شدن نل ابوت آغاز می شود دختر نوجوان اون معتقد است مرگ او خودکشی بوده اما خواهر نل ابوت به بکفورد و به دنبال سرنخ های برای مرگ او میگردد.

معرفی نویسنده:

مصاحبه یا فرشته ایبار که معلم ادبیات سال متوسطه دوم و نویسنده کتاب افسانه و قصه های شهرستان خنج به گفته خودشان آن کتاب بر اساس پایان نامه دانشگاهشان نوشته اند یعنی عنوان پایان نامه دانشگاهشان بوده است. کتاب ایشان بر اساس گفته ها و شنیده های که از زبان بزرگان شهر که در زمان قدیم بوده اند نوشته شده است. پدران و مادران همواره با روایت و ماجراها و قصه های پر شاخ و برگ تلاش کرده اند که فرزندان را با پیچ و خم های زندگی آشنا کنند. ایشان برای نوشتن کتاب خود به سراغ سالمندان های منطقه رفتن و داستان های آن ها را به صورت عامیانه برای مردم به صورت یک کتاب در آوردند به نظرم شهرستان خنج یکی از شهرستان های استان فارس می باشد که پیشینه تاریخی و فرهنگی آن نشان دهنده شکوه و عظمت دیرین این منطقه است. در گذشته به دلیل عدم وجود رسانه ها به شکل امروزی و دورهم نشستن های شبانه و به گوش سپردن قصه های بزرگترها مورد توجه بوده. اون این کتاب را به منظور این که قصه ها و افسانه های شهرستان خنج در ذهن مردم باقی بماند نوشته است. این قصه ها و داستان ها از زمان قدیم گفته شده است و در طول زندگی هر خانواده از کودکی به بچه ها گفته شده است. با گفته شدن این افسانه ها به مردم آن هارا به دنیای دیگری میبرد و ذهنشان را درگیر افراد و جزئیات داستان میکند. به گفته خودشان برای نوشتن این کتاب با مشکلاتی همچون در قید حیات نبودن روایان و به دلیل کهن سالی در بستر بیماری بوده اند.

ترویج کتاب:

- خرید تعدادی کتاب و هدیه دادن به بچه های کتاب خانه و خواندن کتاب برای آنها
- هدیه دادن کتاب به پرستار های بیمارستان ک شیفت شب هستن برای مطالعه کردن
- هدیه دادن کتاب به تاکسی تلفنی ها ک توی تاکسی ها بگذارند برای مسافرائی ک به بیرون شهر میروند مطالعه کنند
- هدیه دادن کتاب قصه و رنگ آمیزی به فروشگاه زنجیره ای کوروش ک به ازای خرید بالای ۵۰ تومن به بچه ها کتاب هدیه

دهند



فاطمه حمیدنیا
مدرسه زهره نجم
لامرد، فارس

معرفی کتاب:

آناکارینا: کتی دختری اشرافی در بین یک دوراهی گیر کرده است. دو خاستگار لوین و ورونسکی، اما کدام را باید انتخاب کند؟ کتی به سختی ورونسکی را انتخاب میکند و غرور لوین را زیر پا میگذارد. در این حین آنا، شوهر و فرزند خود را برای مسافرتی چند روزه تنها گذاشته و تنها گذاشته نزد برادرش می رود. درست در شبی که آنا فردای آن روز قصد بازگشت به شهر خود را داشت در یک مهمانی شرکت می کند، در آن مهمانی کتی و ورونسکی نیز شرکت داشتند. ورونسکی با دیدن آنا در به او می باززد. اکنون لوین باید چه کار کند غرورش را زیر پا گذاشته و دوباره از کتی درخواست ازدواج کند؟ کتی چه کاری انجام دهد درحالی که دو خاستگار خود را از دست داده است؟ آنا بین ورونسکی که اکنون عشق زندگی او شده است و خانواده اش کدام را باید انتخاب کند؟

معرفی نویسنده:

آقای دکتر جواد عسکری...

شاید خانوادگی نویسنده باشند! نویسنده ای که بارها کتاب هایش را در مدرسه و در دست افراد مختلف دیده ام و هدف او زنده نگه داشتن آداب و رسوم کهن شهرستان لامرد است.

ترویج کتاب:

- روزنامه دیواری خلاقانه
- جای مخصوص در کتابخانه برای اینکه خلاصه های کتاب های خوانده شده را در آن بیاندازیم
- مسابقه خواندن و معرفی کتاب خوانده شده
- مسابقه ای که هدیه آن گردنبندی است که در آن گردنبند معرفی کتابی قرار دارد
- بحث کلاسی در مورد کتاب ها
- معرفی کتاب در پیج اینستاگرام
- ((قبل از پروژه کتابخوانی انجام گرفته)) یک کتابخوانه کوچک با کتاب هایش هدیه ما به فرودگاه لامرد

فاطمه گنجی زاده
مدرسه خاتم الانبیا
استهبان، فارس



معرفی کتاب:

شگفتی: ای کاش هر روز خدا هالووین باشه که هیچ کس چهره‌ی غیر عادی آگوست رو نبینه و راز آگوست در پشت لباس های مبدل نهفته بشه. آگوست پسر بچه ای بود که پسری عادی با قیافه ای غیر عادی بود یعنی انقدر قیافه آگوست وحشتناکه که وقتی پدر و مادر آگوست تصمیم میگیرند اون رو به مدرسه بفرستند هم کلاسی هاش بهش لقب عجیب الخلقه داده بودند. کتاب شگفتی تجربه است شگفت انگیز از تجربه ی یک انسان ناقص الخلقه. خلاصه این کتاب رو آر . جی . پالاسیو یک سال تحصیلی پر فراز و نشیب آگوست رو روایت کرده.

معرفی نویسنده:

مهسا کریمی نوجوان ۱۶ ساله ای که بر خلاف اینکه در رشته ریاضی مشغول به تحصیل اند در داستان نویسی مهارت فوق العاده ای دارند و چندین داستان رو به کمک استادشون به چاپ رسوندند . ایشان داستان هاشون رو احساسی و غمگین مینویسند و با شناختی که من از مهسا خانم دارم با روحیشون هم کاملا سازگاری داره. و پیشنهادش به هم سن و سال هاش اینه که مطالعشون رو روز به روز افزایش بدن و ر روز بنویسند.و امید داره که با توکل به خدا کتاب هایی رو به چاپ برسوند که مثل داستان هاشون طرفدار های زیادی داشته باشه.

ترویج کتاب:

- معرفی هر سه کتاب در مدرسه خاتم زنگ تفریح با جمعی از بچه ها
- رفتن به خوابگاه و ...
- تهیه اینفوگرافیک برای یکی از کتاب ها
- گفت و گو با چند تا از بچه ها و معرفی کتاب ها

یلدا شهریاری
مدرسه خدیجه کبری
لامرد، فارس



معرفی کتاب:

دختری در قطار: داستان دربارہ کسی که به روز توجہی نمی‌کرد و زمانی که شب فرا می‌رسید تنها نوشیدنی‌های پی در پی او را آرام می‌کرد. کسی که همسرش، خانواده اش و آبرویش همه و همه را از دست داده بود. شاید همسرش او را نمی‌خواست اما ریچل آن را دوست داشت، خانواده اش برایش مهم بود و آبرویش مهم تر. اما و اگر های زیادی وجود دارد، برای چه؟ دعوا سر عشق و عاشقی است؟ یا سر ارث و میراث؟ یا شاید دو بچه کوچک سر عروسکشان دعوا می‌کنند. خیر داستان پیچیده از این حرف هاست داستان جنایت، قتل، خیانت، در میان این ظلمات و تاریکی و خیانت های پی در پی قتلی رخ میدهد جنایتی که برنامه ریزی شده نبود اما چیزی نمیتوانست آن را انکار کند... شما کتابی اثر پائولا هاوکیگز نمیخوانید شما یک داستانی را تصور میکنید که نویسنده آن هاوکیگز باشد خط به خط این کتاب تصور میشود و تنها کسانی میتوانند این کتاب را بخوانند که عاشق هیجان، معما، راز و کشف باشند.

معرفی نویسنده:

هر چیزی که توی جهان هستی وجود داره همیشه از قانون خودش پیروی نمیکنه و استثناعاتی را توی خودش داره از جمله نویسندگی که از این قاعده مستثناع نیست. ما این رو میدونیم که نویسندگی جزو رشته های ادبیاتیه ولی به طرظ عجیبی نویسنده ی ما خیلی با ادبیات حال نمیکنه و به گفته خودش سر کلاس ریاضی و فیزیک داستان هاش رو می نوشته. قبیل از این که داستان هاش رو بخونم فکر میکردم با یک همچین چیزایی باید رو به رو بشم: (به نام خداوندی که جان آفرید / حکیمانه نیوتن بر متر مربع را پاسکال آفرید) یا این که (انشینیت کجا و من خراب کجا / بین تفاوت کتانژانت و تانژانت کجاست تا به کجا) *** دلم ز قوانین نیوتن گرفته است / زرزر های انیشتین کجاست ان خواب راحت و روز بدون (شتاب) کجا) *** ولی وقتی کتاب هاش رو خودم فهمیدم کلا اشتباه میکردم و نویسنده من به شهدا علاقه زیادی داره. خانم نرگس انواری متولد سال ۱۳۸۷ محصل در رشته مهندسی نرم افزار و با کتاب های حسینم من و بازگشت پی گمه که در دوره های مختلف زندگی بر اساس اسطوره هایی که داشته کتاب هاش رونوشته.

ترویج کتاب:

- ساختن کارت پستال هایی با عنوان های(قلعه حیوانات،شازده کوچولو،هری پاتر و یادگار مرگ،کوری،اتحادیه ابلهان،ملت عشق و رتز فال ورق) که شامل عکس کتاب،یک جمله از خودم در رابطه با کتاب،یک جمله از خود کتاب و در اخر ادرس کتاب خانه شهر و نوشتن و پخش کردن آنها.(دو تا از کارت پستال های کتاب هارو به مجموعه آموزشی قلم چی و چهار تای دیگر رو به دیپلمات تحریر دادیم)
- به وجود آوردن کتاب های دوره ای با سه عنوان قلعه حیوانات،شازده کوچولو و کوری. این سه کتاب رو توی محل پر رفت و آمدی به نام کافه رستوران ویکولو تحویل دادیم.
- حرف اخر(یک نتیجه بزرگ و یک تصمیم بزرگ تر) :من به این نتیجه رسیدم که هر چه قدر کتاب خوندن لذت بخش باشه به همون اندازه انتقالش به دیگران هم نیز لذت بخشه و از اون جایی که اون روز جزو بهترین روز های زندگی بود تصمیم گرفتم هر ماه سه(یا هر چه قدر کتاب به دستم رسید) تبدیل کنم به کتاب دوره ای.:

مهسا برخورداری
مدرسه زهره نجم
لامرد، فارس



معرفی کتاب:

قلعه حیوانات: حیوانات مزرعه سخت کوش تر شده بودند. خبری از گرسنگی نبود و حالا انگار آزادانه تنها برای خود می‌جنگیدند؛ برای زندگی بهتر... از انسان هم خبری نبود تا از شیرگاوها برای خود غذاهای لذیذ درست کند یا تخم مرغ‌ها را با الم شنگه از مرغ‌ها به تاراج ببرد. پس از شورش ارمانگرایانه‌شان دیگر کسی دزدکی از انبار غذا بر نمی‌داشت.. هیچ حیوانی برتر از دیگری نبود.. هیچ حیوانی حق کشتن هم نوع خود را نداشت. بنظر می‌رسید آنها بدون توجه به تفاوت هایشان همدیگر را دوست دارند و تنها یک بیگانه وجود داشت و آن هم انسان‌ها بودند انسان‌هایی که حتی به یکدیگر نیز رحم نمی‌کردند چه برسد به حیوانات... اینجا همه برابر بودند و بعضی‌ها برابرتر...

معرفی نویسنده:

در این آشوب اطمینان، در این تنهایی فریاد، سلامت می‌کنم، شاید، مرا روزی به یادآوری... جناب آقای هادی عسکری فرد که متولد شهرستان فیروزآباد هستند زندگی پرفراز و نشیبی را تجربه کرده اند پس از سختی‌های زیاد: کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور فیروزآباد هستند، از ایشان چند عنوان کتاب و مقاله به چاپ رسیده از جمله حوالی آفتاب (مجموعه شعر) فارسی پیش دانشگاهی و کتاب آموزش ساخت گلدان از مواد دورریختنی ...

ترویج کتاب:

- هدیه دادن کتاب‌های قدیمی به دیگران
- معرفی کتاب در واتساپ
- معرفی کتاب در صف صبحگاهی مدرسه هر هفته یک بار
- پیج ketab_zendegiiii و معرفی و خلاصه بندی کتاب‌ها
- قصه خوانی برای بچه‌ها در عنوان جویبار قصه‌ها و تشویق ب کتاب و کتاب قصه خواندن
- قرض دادن کتاب به دوستان

نگین چاره جو
مدرسه نرجس
استهبان، فارس



معرفی کتاب:

ملت عشق نوشته‌ی الیف شافاک نویسنده‌ی ترک تبار است. این کتاب لقب پرفروش‌ترین کتاب ترکیه را عنوان کرده است و همچنین در میان مردم ایران محبوبیتی ممتاز کسب کرد. در این کتاب ۴۱۶ صفحه‌ای چهل قانون عشق و دو موضوع موازی در دو دوره‌ی زمانی مختلف گنجانده شده است. ملت عشق به ارتباط شمس و مولوی می‌پردازد اما بیشتر از دید دیگران نگاه شده است و همچنین الا یک زن چهل ساله که ویراستای یک کتاب را که موضوعش درباره شمس و مولوی است بر عهده گرفته است. الا زنی است که همه‌ی عمرش را وقف زندگی زناشویی اش کرده است ولی مانند یک برکه‌ی راکد می‌ماند که بعد از گذشت ۲۰ سال خود را بازنده‌ی زندگی می‌بیند. الاپی که حتی برای عوض کردن مارک قهوه‌اش مدت‌ها فکر می‌کرد و تصمیم می‌گرفت و همیشه ترس در تغییر داشت الان درست در آغاز چهل سالگی تصمیم به تغییر گرفته بود. شای د دلیل اصلی این تغییر عشق بود آری الا عاشق شده بود آن هم عاشق کسی که فرسنگ‌ها با او فاصله داشت و مانند شب و روز باهم فرق داشتند. این کتاب یک مثال نقض بر این گفته است که عشق وجود ندارد. عشق یکی از حس‌های لازمه‌ی زندگی است دنیای بدون عشق دنیا نیست. آدم تا وقتی عشق ورزیدن را یاد نگیرد که نمی‌تواند زیبایی‌های جهان را از اعماق وجودش حس کند. کتاب ملت عشق مبهماتی که درباره‌ی عشق وجود دارد را روشن می‌کند و به دیوار افکار انسان می‌آویزد.

معرفی نویسنده:

مهسا کریمی در سال ۱۳۸۳ در استهبان چشم به جهان گشود. نویسنده‌ی را از ده سالگی آغاز کرد و پنج سال بعد اولین داستانش در کتابی به نام داستان‌های سته بان چاپ شد. با خواندن کتاب‌های محمود دولت‌آبادی و همینگ‌وی و شعرهای سهرتاب سپهری و فروغ فرخ زاد به نوشتن علاقه مند شد. ترجیح می‌دهد بر اساس واقعیت ننویسد و براساس خلاقیت‌های ذهنی اش باشد. او می‌گوید نویسنده‌ی به جا و مقام خاصی احتیاج ندارد و تنها لازم به ذهنی خلاق است حتی در اتاق ساده‌ای بی هیچ آلاشی می‌توان نوشت.

ترویج کتاب:

- برنامه ترویج کتابخوانی در مژده‌ی امام پسرانه‌ی امام جواد
- ایجاد یک کتابخانه در خانه برای کودکان اقوام
- ایجاد یک گروه جهت ترویج کتابخوانی و دریافت سفارش جهت خرید کتاب با توجه به نبودن کتابفروشی در استهبان



یاسمن ابراهیمی
مدرسه زهره نجم
لامرد، فارس

معرفی کتاب :

سووشون روایتگر و فداکاری است. یوسف و زری نسبتاً ثروتمند در فارس هستند ولی یوسف از اربابان سختگیر و طمع کار نیست و از انانی است که رعیت را همچون خود می پندارد. داستان در دهه ی بیست و در زمان انگلیس بر ایران جریان دارد. آن زمان که پیشرفت تنها در تملق گفتن بیگانه است و فریادحق را در نطفه خفه می کنند و یوسف از آنهاست که فریاد می زند

معرفی نویسنده:

احمد اکبر پور ۱۳۱۸ خود را تا مقطع کارشناس در شهید بهشتی تهران به پایان رساند. عمده شهرت او بابت داستان های است که ۱۳۳۰ های متعددی از جمله ۱۳۳۱ سال ایران و شورای ۱۳۳۲ رایه ارمنان آورده. عضو شورای ۱۳۳۳ کودک و انجمن ۱۳۳۴ ایران است. موجود در ۱۳۳۵ و حتی مخاطب ۱۳۳۶ رایه سمت خود کشانده. ۱۳۳۷ و به ۱۳۳۸ های مختلفی ترجمه شده است.

ترویج کتاب:

- تبادل کتاب بین دانش آموزان
- مسول کتاب خانه
- معرفی کتاب در کلاس نینجا
- معرفی کتاب در کلاس زبان به انگلیسی
- خواندن جملات زیبا از کتاب ها توسط بچه ها و معلم
- نوشتن خلاصه کتاب توسط دانش آموزان و خواندن آن در صف صبحگاهی
- نوشتن جملات زیبا از کتاب ها و چسباندن آن ها در کلاس
- نوشتن لیستی از کتاب های پیشنهادی
- قبل از شروع کلاس یک جمله زیبا از کتاب هایی که مطالعه کرده ایم
- تهیه روزنامه دیواری درمورد کتاب
- کتاب درحال گردش
- معرفی سایت هایی که میتوان از آنجا کتاب تهیه کرد
- کتاب مرموز
- قهرمان کتاب هر ماه
- معرفی کتاب هایی که فیلم و انیمیشن آن ها پخش میشود
- گذاشتن خلاصه وعکس کتاب ها و نوشتن جملات زیبا از کتاب ها در اینستا گرام و واتس آپ



 WWW.MADARESFASLI.IR

 WWW.FARS.BMN.IR

 WWW.SHIRAZ-FECA.IR

 [MADARES.KHALAGHYAT](https://www.instagram.com/MADARES.KHALAGHYAT)